

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۰ می ۲۰۲۰

حکومت سانسور و تهدید، دروغ و ریاء، دزد و تبهکار، جنگ طلب و تروریست اسلامی ایران! از کرامات شیخ ما این است شیره را خورد و گفت شیرین است!

حکومت اسلامی ایران، به معنای واقعی یک حکومت استثنائی در جهان است. چرا که این حکومت بزرگترین انقلاب قرن را در چهل و یک سال پیش به خونین ترین شکلی از مسیر اهداف انقلابی و انقلابیون منحرف کرد و به کانال رعب و وحشت و خرافات انداخت که تا به امروز ادامه دارد.

همه سران و مقامات این حکومت که قبل از انقلاب ۵۷ مردم ایران، اغلب مفتخور و روضه خوان های پنج تومانی بودند و به عناوین مختلف جیب های مردم توهم و مذهبی را خالی می کردند و یا جیره خوار دربار شاهنشاهی بودند. برای مثال خامنه ای رهبر این حکومت جانی، یک آخوند دستچندم بیش نبود اما الان ثروتی در حدود ۲۰۰ میلیارد دالری دارد. کسی که در تمام عمرش دستش را به سیاه و سفید نزده جز فروش خرافات مذهبی به عوام الناس! او یک جامعه ۸۴ میلیونی را به اسارت گرفته و هر طوری دلش می خواهد با اتکا به سرکوب ها و کشتارهای سپاه و بسیج و انواع و اقسام نهادهای امنیتی و همه ابزارهای دولتی حکمرانی می کند. بنابراین اگر می گوئیم این حکومت: «حکومت سانسور و اختناق، دروغ و ریاء، دزد و تبهکار اسلامی ایران!» نه تنها اغراق نکرده ایم حکومت سانسور و اختناق، دروغ و ریاء، دزد و تبهکار اسلامی ایران! نه تنها اغراق نکرده ایم، بلکه هنوز نتوانسته ایم چهره کریه و هیولائی آن را به طور همجانبه توصیف کنیم!



در این مطلب به کوشه‌هایی از انبوه جنایات حکومت اسلامی ایران علیه شهروندان اشاره می‌کنم:

۱- حکومت دروغ‌گو و سرکوب:

در حالی که فقر و بیکاری و سرکوب در ایران غوغا می‌کند روحانی رئیس‌جمهور حکومت دروغ و سرکوب امروز در مراسم افتتاح طرح‌های وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی در استان ایلام گفت: «دیروز وزیر کار اعلام کرد روند ثبت‌نام دریافت بیمه بیکاری متوقف شده و حتی برخی از آن‌ها اعلام کردند که از این ثبت نام بیمه بیکاری خارج می‌شوند و دنبال شغل‌شان می‌روند.»

این در حالی است که مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز سه‌شنبه گذشته اعلام کرد تاکنون ۷۶۰ هزار نفر در سامانه بیمه بیکاری ثبت‌نام کردند و ۶۵۰ هزار نفر مشمول دریافت بیمه بیکاری شناسایی شدند.

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس هم در سه سناریو برآورد کرده است که بین دو میلیون و ۸۷۶ هزار نفر تا بیش از شش میلیون و ۴۳۱ هزار نفر از شاغلان به دلیل شیوع ویروس کرونا شغل خود را در ایران از دست خواهند داد. روحانی همچنین گفت نمودار کلی آمار بیماری کرونا در کشور نزولی است و بیشتر تخت‌های بیمارستانی که به کرونا اختصاص داده شده، خالی است. او ادامه داد: آمار و ارقام کشور در مقایسه با کشورهای دیگر، نشان می‌دهد که موفقیت ما قابل ملاحظه بوده است.

این در حالی است که کمیته اپیدمیولوژی ستاد ملی مقابله کرونا در روزهای گذشته تأیید کرد که با لغو محدودیت‌ها و اجرای بازگشایی‌ها روند شیوع و ابتلا به کرونا در ۹ استان «صعودی» و در دو استان به آغاز «پیک جدید» منجر شده است.

محمدباقر نوبخت، معاون روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی با اشاره به ارایه گزارش عملکرد خزانه در سال گذشته به هیات دولت، مدعی شد: «نرخ بیکاری به ۱۰ درصد رسید!»

این در حالی‌ست که مسعود نیلی، اقتصاددان و مشاور عالی سابق روحانی گفته: «سطح رفاه خانواده‌های ایرانی در آینده، بسیار پائین‌تر از سه دهه اخیر خواهد شد!»

مدتی است که دیگر آمارهای مربوط به تورم، رشد اقتصادی، جزئیات درآمد مالیاتی و قیمت هفتگی اقلام توسط بانک مرکزی منتشر نمی‌شود. اما به جز این، دیگر چه آمارهایی چند وقتی است منتشر نمی‌شوند؟

به‌گزارش تجارت‌نیوز که در تهران منتشر می‌شود، آمارهای مربوط به جزئیات صادرات غیرنفتی و واردات ایران نیز توسط گمرک طبق روال قبل منتشر نمی‌شود که اخیراً پدram سلطانی، نائب رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران علت آن از زبان مسوولان احتمال سوءاستفاده دشمنان عنوان کرد بود.

درباره آمار تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی هم یلدا راهدار، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران اعلام کرده بود که دیگر این آمار محرمانه شده است. اطلاعات و آمارهای اقتصادی دیگری نیز هرکدام به دلایلی چند وقتی است که دیگر به صورت رسمی منتشر نمی‌شوند.

۲- سانسور و تهدید

ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح حکومت به «تسنیم» خبرگزاری وابسته به وزارت اطلاعات گفته است که: ۳۶۰۰ نفر از افرادی که درباره شیوع ویروس کرونا در کشور «شایعه‌سازی» می‌کردند، به‌دست نیروی انتظامی و بسیج بازداشت شده‌اند و تعداد ۱۱۳۶ پرونده قضائی نیز تشکیل شده است.

لازم به توضیح است که در دو ماه گذشته هزاران نفر به همین اتهامات واهی دستگیر شده‌اند. دستگیرشدگان اکثراً اقدام به تهیه و پخش فلم و عکس و گزارش از فاجعه تلفات کرونا؛ از جمله از وضعیت بیمارستان‌ها در کشور می‌کرده‌اند تا تصویر واقعی ابعاد این فاجعه را به گوش افکار عمومی و جهانیان برسانند. در بین دستگیرشدگان از شهروندان عادی گرفته تا خبرنگاران، وبلاگنویسان، پزشکان و... وجود دارد.

برای مثال، «سیداحمد معین شیرازی»، معروف به «پیکاسو معین» و قهرمان کیک بوکسینگ با انتشار ویدیویی در اینستاگرام، از صدور حکم ۱۶ سال حبس خود و همسرش، «شبیم شاه‌رخی» از سوی دادگاه انقلاب خبر داد. او در ویدیویی که در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده، توضیح داده است به دلیل متهم شدن به چهار اتهام به همراه همسرش، در شهریور ۱۳۹۸ مجبور به خروج از کشور شده‌اند.

این زوج جوان متهم به «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «اشاعه فساد و فحشا»، «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» و «انتشار محتوای مبتذل و مستهجن» هستند. مستندات و مصادیق این اتهامات برگرفته از محتویات اینستاگرام پیکاسو و همسرش بوده‌اند.

شبیم شاه‌رخی، همسر پیکاسو معین در حالی به این اتهامات محکوم شده است که در اینستاگرام فعالیت اندکی دارد و بیش‌تر عکس‌ها و فلم‌های منتشر شده از او توسط همسرش انجام شده است.

پیکاسو و همسرش از سوی مأموران وزارت اطلاعات طی دو جلسه بازجویی شده‌اند و پس از آن، پرونده آن‌ها به دادرسی زندان «اوین» ارسال شده است. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی «ایمان افشاری» به شکل غیابی این زوج را برای چهار اتهام، به ۱۶ سال زندان محکوم کرده است.

بیش‌ترین مجازات آن‌ها مربوط به اتهام اشاعه فساد و فحشا است که پیکاسو معین برای این اتهام، به هفت سال و شبیم شاه‌رخی به شش سال زندان محکوم شده‌اند.

تیر ۱۳۹۷، دختر ۱۷ ساله‌ای به‌نام «مانده هژبری» به دلیل انتشار ویدیوهایی از رقص‌هایش بازداشت و در مقابل دوربین‌های بازجویانش مجبور به اعتراف تلویزیونی شد. او در این اعتراف اجباری با گریه اظهار پشیمانی کرد و گفت: «قصد من این‌ها که می‌گید واقعاً نبود.»

در این برنامه تلویزیونی، از سه نوجوان دیگر نیز به دلیل فعالیت‌هایشان در اینستاگرام بازخواست شد. همه آن‌ها با چهره‌های محو و صداهای لرزان از انتشار عکس‌ها و فلم‌های خودشان اظهار ندامت کردند. حرف‌های آن‌ها در مستندی به نام «بی‌راهه» برای مخاطبان صداوسیما پخش شد.

بیش‌تر از آن، جوانانی که آهنگ «هپی» را بازسازی کرده بودند، بازداشت و در مقابل تلویزیون از آن‌ها اعتراف گرفته شده بود.

«ریحانه طراواتی»، یکی از این جوانان رقصنده سال‌ها بعد در دفاع از مائده هژبری در توئیتر خود نوشت: «من را در سن ۲۳ سالگی بازداشت کردید به جرم شادی، مائده را در سن ۱۸ سالگی به همان جرم مسخره! با نسل بعد چه خواهید کرد؟»

«محمدجواد منتظری»، دادستان کل کشور یازدهم بهمن ۱۳۹۷ گفته بود: «سالم‌سازی فضای مجازی و فیلترینگ از کشیده شدن جوانان به سمت قتلگاه جلوگیری می‌کند.»

طرح سالم‌سازی فضای مجازی اصطلاحی است که از سال ۱۳۹۵ و توسط دبیر شورای عالی فضای مجازی به کار گرفته شد. «ابوالحسن فیروزآبادی» گفته بود: «برای سالم‌سازی فضای مجازی نیازمند نهضت تولید محتوا هستیم.

بسیاری از کاربران این فضا به دلیل فقدان محتوای مناسب و سالم در معرض- به تعبیر مقام معظم رهبری- لغزش قرار می‌گیرند.»

پس از حرف‌های دادستان کشور در بهمن ۱۳۹۷، بسیاری از اینفلوئنسر ها یکباره عکس‌های بی‌حجاب خود را حذف کردند و با حجاب کامل به فعالیت در فضای مجازی ادامه دادند و در شناسنامه صفحات آن‌ها جمله «تابع قوانین جمهوری اسلامی» اضافه شد. همان‌وقت خبرهائی مبنی بر احضار و تهدید آن‌ها به بستن صفحات اینستاگرامی انتشار یافت.

۳- پنهان‌کاری و دروغ‌گویی

به‌دنبال ادعای محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران مبنی بر ارسال کیت آزمایشگاهی کرونا برای ترکیه و آلمان، برلین سه‌شنبه ۱۲ مه ۲۰۲۰ دریافت چنین کمکی از ایران را رد کرد.

وزارت اقتصاد و وزارت خارجه آلمان، دریافت چنین محموله‌ای از سوی جمهوری اسلامی را رد کردند. منابع در وزارت خارجه آلمان به خبرگزاری «دویچه‌وله» گفتند: «دولت آلمان از ورود کیت‌های تست کرونا ساخت رژیم ایران خبر ندارد.»

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران، روز جمعه گذشته در توییتری گفته بود که کشورش ۴۰۰۰۰ کیت ایرانی تشخیص پیشرفته کرونا را به آلمان، ترکیه و سایر کشورها ارسال کرده است.

از سوی دیگر، منابع دیپلماتیک ترکیه با بیان این‌که تجهیزات تشخیصی کروناویروس را از ایران دریافت نکرده‌اند، اظهارنظر ظریف، در این باره را تکذیب کردند.

بر اساس گزارش خبرگزاری آناتولی عربی، منابع دیپلماتیک آنکارا، ادعاهای ایران مبنی بر ارسال تجهیزات تشخیصی ویروس کرونا به ترکیه را تکذیب کردند. منابع دیپلماتیک ترکیه در این باره به خبرگزاری آناتولی گفتند که ترکیه هیچ‌گونه تجهیزات تشخیصی ارسال شده از ایران دریافت نکرده است و اطلاعات منتشر شده در این رابطه درست نیست.

روزنامه شرق: ثبت احوال و بهشت زهرا آمار مرگ را اعلام نمی‌کنند. روزنامه شرق در گزارشی اعلام کرد که سازمان بهشت زهرا و سازمان ثبت احوال ایران در ماه‌های گذشته اطلاعات مربوط به مرگومیر ایرانیان را منتشر نکرده‌اند.

این روزنامه روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت، در گزارشی با عنوان «صحت‌سنجی آمار مرگ بر اثر کرونا در ایران» نوشت: «سازمان ثبت احوال ایران در اقدامی عجیب تاکنون آمار مرگ ایرانیان در زمستان سال گذشته و فروردین امسال را منتشر نکرده و پایگاه خبری این سازمان دیروز و تا لحظه تنظیم این گزارش غیرفعال بوده است.» شرق ادامه داد: «مشکل اما اینجاست که سازمان بهشت زهرا آمار دوماه گذشته را منتشر نمی‌کند و رئیس این سازمان هم حاضر به ارائه اطلاعات دقیق نیست.»

این روزنامه به گزارش نیویورکتایمز اشاره کرده که در مطلبی تحقیقی به بررسی آمار ۱۲ کشور پرداخته و آمار مرگ روزهای اخیر را با روزهای مشابه سال گذشته مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که افزایش آمار مرگ در دوره اخیر نشان‌دهنده بیش‌تر بودن آمار واقعی جان‌باختگان نسبت به آمار رسمی است.

پیش‌تر محمدجواد حق‌شناس، یک عضو شورای شهر تهران گفته بود: «۱۳ هزار نفر در تهران در اسفند ۹۸ و فروردین‌ماه در بهشت زهرا پذیرش شده‌اند این مجموعه کل درگذشتی‌های تهران است.»

این عضو شورای شهر تهران در این باره به «آفتاب‌یزد» گفته است: «درباره تعداد فوتی‌های تهران طی دوماه گذشته، عددی که الان داریم ۱۳ هزار نفر در تهران در اسفند ۹۸ و فروردین‌ماه در بهشت زهرا پذیرش شده‌اند این مجموعه کل درگذشتی‌های تهران است. خودتان با رجوع به سازمان ثبت احوال و آمار فوتی‌های کل سال ۹۷ در تهران متوجه موضوع خواهید شد. در مورد این‌که چه تعداد از این آمار بر اساس کرونا بوده نظری نمی‌دهم نه اینکه برخی آمار را نداشته باشیم اما اعلام هم نمی‌کنیم، ستاد، این آمار را باید اعلام کند. می‌توانند اعلام کنند و این موضوع را به اطلاع مردم برسانند وقتی که دارند اعلام می‌کنند که فلان نفر در کشور مبتلا شده‌اند، چرا جای این آمار را اعلام نمی‌کنند تا بدانیم از این میزان چقدر متوجه تهران است.» پس بر اساس توضیحات این عضو شورای شهر تهران، در دوماه شیوع کرونا در تهران، حدود ۱۳ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند که با مقایسه آمار مرگ در همین دو ماه و در سال گذشته ممکن است رامگشا باشد. مشکل اما این‌جاست که سازمان بهشت زهرا آمار دوماه گذشته را منتشر نمی‌کند و رئیس این سازمان هم حاضر به ارائه اطلاعات دقیق نیست. سازمان ثبت احوال ایران در اقدامی عجیب تاکنون آمار مرگ ایرانیان در زمستان سال گذشته و فروردین امسال را منتشر نکرده و پایگاه خبری این سازمان بوده است.



عکسی از مراسم رونمایی دستگاه کروناپایاب سپاه پاسداران با نام «مستعان ۱۱۰»

درباره رونمایی از دستگاه ویروس‌یاب «مستعان ۱۱۰»، اختراع مورد ادعای سپاه پاسداران، طی همین هفته گذشته بسیار گفته‌اند و بسیار نوشته‌اند. دستگاهی از سرهم‌بندی آنتن رادیویی و دیش کوچک که به ادعای حکومت ایران، تا شعاع ۱۰۰ متری و در مدت ۵ ثانیه قادر به شناسایی و کشف ویروس کروناست.

تعابیری چون کشف ویروس دوقطبی با کمک امواج الکترومغناطیس، به قدری دور از منطق و واقعیت علمی بود که بسیاری از جمله انجمن فیزیک ایران را وادار به واکنش کرد و این انجمن، ادعای چنین اختراعی را در رده ادعاهای شبه‌علمی دسته‌بندی کرد.

ادعاهای بزرگ و عجیب و خارق‌العاده شبه‌علمی کم نیستند و مدعیان آن نیز بسیاری‌اند. ادعای طب اسلامی در معالجه بیماران کرونایی، اختراع خودرویی که بدون سوخت و با آب کار می‌کند، ادعای ساخت ماشین حرکت دائمی و بدون نیاز به انرژی، ادعای کشف انرژی هسته‌ای در آشپزخانه و داستان‌های علمی و تخیلی نظیر آن‌ها اگرچه برای دستگاه تبلیغاتی حکومتی، کاملاً عادی به‌نظر می‌رسد، در نظر متخصصان و جامعه علمی، یک تلاش سازمان‌یافته تبلیغاتی برای فریب افکار عمومی است.

محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری وقت از کشف یک دختر ۱۶ ساله دانش‌آموز در تولید انرژی هسته‌ای در آشپزخانه سخن گفته بود.

تنها شاهد و گواه آن‌ها برای اثبات ادعای خود، صحبت‌های پراکنده مقامات سپاه پاسداران است که اعلام کرده‌اند این دستگاه ۱۰ روز در حداقل ۱۰ بیمارستان و مرکز درمانی درگیر بیماران کرونائی در کشور، تست و آزمایش شده و سطح و میزان دقت آن در تشخیص و کشف کرونا بین ۷۰ تا ۸۰ درصد است. ادعائی که سند و مدرکی جز خود گوینده ندارد و صدق و کذب آن نیز مانند هر ادعای شبه‌علمی دیگری قابل آزمون نیست.

پس از رونمایی از «مستعان» نشان می‌دهد که روند کار برخلاف انتظار سپاه پاسداران بوده و جعلی و مضحک بودن عملکرد این دستگاه، تنها طی چند ساعت در شبکه‌های اجتماعی ردیابی شد و معلوم شد که مستعان، در واقع، دستگاهی است که کلاهبرداران بین‌المللی از سال‌ها پیش با عناوین مختلف دستگاه سوخت‌یاب، دستگاه بمب‌یاب، دستگاه هپاتیت‌یاب، ایدزیاب و ردیاب مواد جامد و مایع، به کشورهای مختلف دنیا فروخته‌اند و از محل فروش آن میلیون‌ها دالر نیز درآمد کسب کرده‌اند.

سران حکومت اسلامی پس از سرکوب خونین انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷، بر این تصور بودند که قادرند با سانسور و سرکوب و کشتار بر اساس فقه و آموزه‌های حوزه علمیه قادر به تثبیت موقعیت هستند، اما به‌تدریج دریافتند که مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دیپلماسی، دفاعی و نظامی و غیره کشور به‌مراتب پیچیده‌تر از آن است که بتوانند برای آن پاسخ و راه‌حلی داشته باشند.

اقتصاد و بانکداری و صنعت را به هیچ‌وجه نمی‌توان با احکام فقهی و خزعات آیت‌الله‌های حوزه علمیه و حاکمیت مدیریت کرد!

در چنین شرایطی، مقامات حکومت دست به جعل مدرک تحصیلی و دکتراسازی کردند. نه تنها مدارک حوزوی سطح چهار حوزه علمیه بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل معادل‌سازی با مدرک دانشگاهی دکتر شد بلکه پاسداران و سایر مقامات حکومتی فرصت ایجادشده را غنیمت شمردند و برای خود مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکترا و فوق دکترا دست و پا کردند و تعداد سردار - دکترها و حجت‌الاسلام - دکترها و پروفیسورها روزبه‌روز بیشتر شد.

خامنه‌ای همواره به علوم اجتماعی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شده حمله کرده و خواهان جایگزینی علوم اسلامی شده است. چرا که علوم سیاسی و غربی و شک و تردید به‌وجود می‌آورد.

حدود دو سال پیش حسن فیروزآبادی، در مصاحبه‌ای، از استفاده غربی‌ها از سوسمار، مارمولک و آفتاب‌پرست برای جذب امواج اتمی و شناسائی تاسیسات اتمی حکومت ایران صحبت کرده بود. به همین دلیل دکر کاووسی استاد دانشگاه و فعال زیست محیطی را در زندان کشتند و تعدادی از فعالین محیط زیست را دستگیر کردند که تاکنون در زندان‌های مخوف سپاه نگهداری می‌شوند.

دستگاه کرونا‌یاب مستعان اولین و آخرین نمونه از دشمنی و خصومت آشکار مقامات حکومتی با علم و دانش نیست. مسأله اصلی بر سر این است که با این اسباب‌های هر چه بیشتر با جان و زندگی شهروندان بازی می‌کنند.

پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و دانشگاه علوم پزشکی «شهید» بهشتی در ایران روز یکشنبه ۱۷ مه ۲۰۲۰ مدعی ساخت سامانه هوش مصنوعی ai-corona برای تشخیص کووید ۱۹ در کمتر از ۵ ثانیه شد.

به گزارش عصر ایران این سامانه در مراسمی با حضور جمعی از دانشجویان، اساتید و پزشکان بیمارستان مسیح دانشوری، پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و دانشگاه علوم پزشکی «شهید» بهشتی، رونمایی شد.

در ادامه این گزارش عنوان شده که سامانه مذکور در صورت نصب بر روی سرورهای بیمارستان می‌تواند در کمتر از ۵ ثانیه تشخیص اولیه ابتلا به کووید را انجام دهد.

سخنگوی وزارت بهداشت تازمترین آمار کرونا در کشور را روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت اعلام کرد. به گفته سخنگوی وزارت بهداشت در ۲۴ ساعت گذشته دوهزار و ۲۹۴ مورد جدید کرونا در کشور ثبت شده و آمار تعداد مبتلایان به ۱۲۲ هزار و ۴۹۲ نفر رسیده است.

جهانپور همچنین گفته است از مجموع بیماران مبتلا به کرونا تا کنون ۹۵ هزار و ۶۶۱ نفر نیز بهبود یافته و از بیمارستان‌ها مرخص شده‌اند.

به گفته سخنگوی وزارت بهداشت در ۲۴ ساعت گذشته ۶۹ نفر جان خود را بر اثر کرونا از دست دادند و تعداد فوتی‌ها اکنون به هفت هزار و ۵۷ نفر رسیده است. در مقایسه با یک روز قبل آمار فوتی‌ها ۱۸ نفر بیش‌تر بوده است.

نماینده ایذه در مجلس شورای اسلامی گفته: مبتلایان به کرونا در جنوب ایران، برای حفظ آبرو، بیماری خود را پنهان می‌کنند. به گفته هدایت‌الله خادمی، وضعیت نگران‌کننده جنوب کشور نتیجه تصمیمات نادرست مقامات است.

در همین حال یک عضو کمیته مبارزه با کرونا گفته است: سیاست بازگشائی اصناف، از سرگیری فعالیت مشاغل و رفع همه محدودیت‌ها در شرایطی که ویروس کرونا همچنان جولان می‌دهد و جان می‌گیرد، سیاستی اشتباه و برخلاف اجرای پروتکل‌های بهداشتی است.

مردانی درباره عواقب فاجعه‌بار سیاست‌های مجرمانه بازگشائی گفت: با چنین وضعیتی تا دو هفته دیگر فاجعه وخیمی در کشور رخ می‌دهد. به دولت هم هشدار دادیم، بازگشائی‌ها را به تعویق بیندازند تا ماه بعد دچار پشیمانی نشوند.

وزارت بهداشت حکومت اسلامی در اقدامی سؤال برانگیز، اجازه بازگشائی مساجد برای برگزاری مراسم شب‌های پایانی ماه رمضان را صادر کرد! مجوزی که پس از سخنان خامنه‌ای، مبنی بر گفته او «ضرورت دعا و توسل» صادر شد!

خود مجلس شورای اسلامی اقرار کرده است که آمارهای ارائه شده از سوی وزارت بهداشت در رابطه با قربانیان کرونا بسیار پائین‌تر از آمارهای واقعی است.

به این ترتیب حکومت اسلامی ایران، خودش بزرگترین شایعه‌ساز، دروغ‌گو و پنهان‌کاری را در رابطه با ابعاد فاجعه کرونا در پنبش گرفته و مدام دروغ و جعل خبر و حتی آمار کرده و تقلا دارد اوضاع را عادی نشان بدهد. از این‌رو، حکومت خودش عامل گسترش کرونا در سراسر کشور است.

۴- حکومت اسلامی ایران، حکومت آدمکش و جانی است

با وجود گسترش بحران کرونا در سراسر ایران، اجرای مجازات مرگ (اعدام)، همچنان در دستور کار قوه قضائیه قرار دارد.

با اجرای حکم اعدام یک شهروند کرد شمار شهروندان کردی که طی روزهای اول ماه رمضان اعدام شدند به ۴ نفر رسید.

سازمان حقوق بشری «همنگاو» روز سه‌شنبه ۲۸ آوریل ۲۰۲۰، از اجرای حکم اعدام یک شهروند اهل دیواندره از توابع استان کردستان با هویت «فایق شریفی» در زندان مرکزی سنندج خبر داد.

سازمان حقوق بشر ایران؛ ۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ نوشت: از ابتدای سال میلادی تا ۲۳ آوریل ۲۰۲۰، دست‌کم ۸۴ نفر در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند. این آمار بالاتر از مدت زمان مشابه در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ محسوب می‌شود. پس از همه‌گیری ویروس کرونا تاکنون، حداقل ۳۳ نفر در شرایطی که حتی برگزاری مراسم عزاداری نیز برای خانواده اعدام‌شدگان میسر نیست اعدام شده‌اند.

شمار شهروندان کردنی که طی ماه گذشته میلادی در زندان‌های کردستان اعدام شده‌اند از شمار اعدامی‌های سه ماه اول امسال بیش‌تر بوده است.

با استناد به مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری همنگو، طی ماه آوریل ۲۰۲۰، دست کم حکم اعدام ۱۳ شهروند کرد در زندان‌های کرمانشاه، بروجرد، سنندج و ارومیه اجرا شده است.

از مجبوع افرادی که طی ماه گذشته اعدام شده و هویت آن‌ها برای همنگو احراز شده است، یک زندانی به اتهام فعالیت سیاسی، یک زندانی به اتهام قاچاق مواد مخدر و ۱۱ زندانی نیز به اتهام قتل عمد به اعدام محکوم شده و حکم آن‌ها اجرا شده است.

همچنین، بیش‌ترین این اعدام‌ها با ۸ مورد در استان کردستان ثبت شده است. در استان کرمانشاه و آذربایجان غربی هر کدام ۲ مورد و در استان لرستان نیز یک مورد ثبت شده است.

با استناد به آمار همنگو، از ابتدای سال ۲۰۲۰ تاکنون دست کم ۲۵ شهروند کرد در زندان‌های کردستان و دیگر شهرهای ایران اعدام شده‌اند که ۱۲ مورد آن‌ها طی سه ماه اول سال جاری بوده و ۱۳ مورد دیگر در ماه آوریل ثبت شده است.

تعداد زیادی از زندانیان عرب اهوازی در بند ۵ زندان شبیان، در استان خوزستان، به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند. این زندانیان، در پی اعتراض به کوتاهی مسؤولان برای رسیدگی به نگرانی‌ها در مورد شیوع ویروس کرونا، با مداخله خشونت‌بار نیروهای امنیتی مورد ضرب و جرح و اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفته و مصدوم شده‌اند.

مأموران و مسؤولان سه زندانی به نام‌های حسین سیلاوی، علی خسرجی و ناصر خفاجی را از ۱۲ فروردین به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند و سرنوشت و محل نگهداری آنان را همچنان از خانواده‌هایشان مخفی می‌کنند. دست‌کم هفت زندانی دیگر، به نام‌های جابر آلبوشوکه، مختار آلبوشوکه، علی مجدم، معین خنفری، جمیل حیدری، جاسم حیدری و عبدالرزاق عبیدادی، که از ۱۲ فروردین در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌بردند، در تاریخ ۲۵ فروردین به زندان شبیان بازگردانده شده‌اند و از آن زمان مشترکاً در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند و از تماس تلفنی منظم با خانواده‌هایشان محروم شده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران روز سه‌شنبه ۳۱ مارس، در دوازدهمین گزارش سالانه خود درباره اعدام‌ها در ایران اعلام کرد که در سال ۲۰۱۹ دست‌کم ۲۸۰ نفر از جمله چهار کودک و ۱۵ زن در ایران اعدام شدند.

به‌نظر می‌رسد مقامات قضائی ایران به‌دنبال شیوع کرونا در زندان‌ها و ناتوانی مسؤولان زندان از مدیریت این بحران، در صدد هستند تا بخشی از احکام اعدام صادر شده علیه زندانیان را هر چه سریع‌تر و تا پیش از شیوع ماه رمضان به اجرا درآورند.



در حالی که زندان‌ها را کرونا گرفته و تاکنون تعداد نامعلومی از زندانیان جان باخته‌اند حکومت نه تنها زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی را آزاد نمی‌کند بلکه فعالین سیاسی احضار و زندانی می‌کنند.

برای مثال علی نوری‌زاد، یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۸ توسط دادگاه انقلاب تهران به ۳ سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر علی نوری‌زاد روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت برگزار شد.

علی نوری‌زاد روز یکشنبه ۲۲ دی‌ماه در جریان تجمعات اعتراضی نسبت به ساقط کردن هواپیمای اکرایی توسط پدافند نیروی هوا فضای سپاه و ابراز همدردی با خانواده قربانیان، توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و در تاریخ ۱۳ بهمن با تودیع قرار وثیقه از زندان آزاد شده بود. محمد نوری‌زاد، پدر علی نوری‌زاد نیز از صدور حکم یک سال زندان دیگر برای خود به دلیل دفاع از حقوق شهروندان بهائی ساکن شهر ایوانکی در استان سمنان خبر داده است. به‌گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، علی نوری‌زاد، فرزند محمد نوری‌زاد و یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۸ توسط دادگاه انقلاب تهران به ۳ سال و نیم حبس تعزیری محکوم شد.

بنا به گزارش فعالین صنفی مستقل دانشگاه تهران، در آخرین جلسه دادگاه انقلاب سید مصطفی هاشمی‌زاده دانشجوی رشته مهندسی عمران دانشگاه تهران به پنج سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق، سه ماه کار رایگان فرهنگی و دو سال منع ورود وی به خوابگاه محکوم شد.



همچنین امیر محمد شریفی دانشجوی رشته مهندسی نقشه‌برداری دانشگاه تهران نیز به سه ماه حبس تعزیری محکوم شد. فعالین صنفی دانشگاه تهران خواستار به تعویق انداختن و صرف‌نظر از حکم این دانشجویان و سایر دانشجویان تا زمان فروکش کردن بحران ویروس کرونا می‌باشند.

فعالان دانشجویی ایران از احضار تعدادی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (پلی‌تکنیک) به کمیته انضباطی این دانشگاه، به‌دلیل شرکت در مراسم گرامی‌داشت جان‌باختگان پرواز هواپیمای اوکراینی خبر داده‌اند.

کانال تلگرامی «فریاد پلی‌تکنیک»، روز سه‌شنبه نهم اردیبهشت، احضار این دانشجویان را با توجه به تعطیلی دانشگاه‌ها به دلیل شیوع ویروس کرونا، «شرم‌آور» خوانده است.

کانون نویسندگان ایران خبر داد که حکم یک سال زندان حمید نامجو، داستان‌نویس، در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. بنا بر اخبار منتشره در رسانه‌ها حمید نامجو، نویسنده و منتقد ادبی در آذرماه سال ۱۳۹۷ به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» دستگیر و بعد از سه هفته بازداشت در زندان اوین به قید وثیقه آزاد شد. دادگاه بدوی در مرداد

ماه سال گذشته برای او حکم یک سال حبس صادر کرد. این حکم به تازگی در دادگاه تجدیدنظر تائید و به حمید نامجو ابلاغ شده است.



از مصادیق اتهام او نوشتن مجموعه داستانی به نام اسپارتاکوس و انتشار آن در بیرون از ایران، ارتباط با برادرش محسن نامجو (خواننده و موزیسین) و انتشار مطلب در یک سایت اینترنتی است. در حکم حمید نامجو آمده: «حمید نامجو در سایت معاند رادیو زمانه مطالبی برای تخریب چهره نظام جمهوری اسلامی منتشر کرده، با تالیف «اسپارتاکوس» ضمن مظلوم‌نمایی از نیروهای سازمان منافقین اقدام به تخریب عملکرد نظام مقدس جمهوری اسلامی در مقابله با سازمان چپ مارکسیستی مجاهدین کرده، شعری با محتوای توهین‌آمیز به مقام معظم رهبری سروده و در فضای مجازی منتشر کرده و با افراد اصلی سازمان ضد انقلابی حزب توده و خواننده معاند و ضدانقلاب فراری محسن نامجو ارتباط گرفته است.»

بنا به اطلاع شبکه حقوق بشر کردستان صبح امروز زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد محکوم به حبس ابد توسط نیروهای امنیتی از زندان خوی به مکانی نامعلوم منتقل شده است. انتقال ناگهانی این زندانی سیاسی در حالی صورت می‌گیرد که او در سیزدهمین سال حبس خود بر اساس گواهی پزشک از بیماری‌های مثل «ناخنک چشم» و «برفک دهان» رنج می‌برد.



یک منبع آگاه در این باره به شبکه حقوق بشر کردستان گفت: «صبح امروز تیمی از نیروهای امنیتی با حضور در زندان خوی و بدون ارائه دلیل مشخصی زینب جلالیان را با خود برده‌اند.»

خانواده این زندانی سیاسی پس از اطلاع از این موضوع به زندان خوی مراجعه کرده‌اند. مسؤولان زندان به این خانواده گفته‌اند که احتمالاً پرونده‌ای تازه برای زینب جلالیان گشوده شده است و به نظر می‌رسد او را به بازجویی درباره اتهامات جدید به یکی از زندان‌های استان تهران منتقل کرده‌اند.

اسفندماه سال گذشته سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار پایان حبس ناعادلانه زینب جلالیان، زندانی سیاسی کُرد محکوم به حبس ابد، شد و اعلام کرده بود که این زندانی سیاسی در طی سال‌های طولانی زندان بارها از حقوق اساسی خود از جمله دسترسی به خدمات درمانی مناسب و کافی محروم مانده است.

زینب جلالیان از بهمن ماه ۱۳۹۵ در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی در خصوص وضعیت چشمانش و بیماری گوارشی‌اش در اعتصاب دارو به سر می‌برد اما با شروع سردردهای شدید و اصرار خانواده، قبول کرده بود که از داروی می‌گرن استفاده نماید.

این منبع پیش‌تر در تیرماه سال گذشته به شبکه حقوق بشر کردستان گفته بود که هیتی از بازرسان سازمان زندان‌ها به زندان خوی مراجعه کرده و از بند نسوان این زندان نیز بازدید کرده‌اند. در جریان بازدید این هیئت که دادستان خوی نیز آن‌ها را همراهی کرده بود یکی از اعضای هیئت به زینب جلالیان اعلام کرده تا زمانی که نامه‌ای با مضمون ابراز از پشیمانی از کارهای خود ننویسد از همه حقوق یک زندانی محروم خواهد بود. زینب جلالیان این درخواست را با قاطعیت رد کرده است.

همچنین پیش‌تر وزارت اطلاعات شرط انتقال زینب جلالیان به بیمارستان را انجام مصاحبه تلویزیونی اعلام کرده بود. درخواستی که این زندانی سیاسی از انجام آن امتناع کرده است. به همین دلیل با وجود تأیید پزشکان بهداری زندان در خصوص لزوم اعزام وی به بیمارستان برای درمان بیماری‌های ناخنک چشم و تب برفکی، وی همچنان از این حق محروم است.

زینب جلالیان، متولد ۱۳۶۱ و اهل روستای «دیم قشلاق» از توابع شهرستان ماکو است. وی اسفند ماه سال ۱۳۸۶ توسط نیروهای اداره اطلاعات کرمانشاه بازداشت شد و حدود سه ماه در بازداشتگاه ستاد خبری اداره اطلاعات کرمانشاه به اتهام عضویت در «پژاک» تحت شکنجه‌های جسمی و روحی شدید مورد بازجویی قرار گرفت و پس از آن به کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه منتقل شد.

وی در تاریخ ۱۳ آذرماه سال ۱۳۸۷، در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه به ریاست قاضی مرادی به اتهام عضویت در پژاک و اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شد. بعد از اعتراض به این حکم، پرونده به شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه ارجاع داده شده و حکم عیناً تأیید شد و در نهایت، در زمستان سال ۱۳۸۸ حکم صادره به تأیید دیوان عالی کشور رسید. این زندانی سیاسی در اسفند ۱۳۸۸ به صورت غیرمنتظره از زندان کرمانشاه به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد و بعد از پنج ماه نگهداری در این زندان مجدداً به زندان دیزل‌آباد کرمانشاه برگشت.

به‌دنبال تلاش‌های زیادی که برای لغو حکم اعدام زینب جلالیان از سوی خانواده، وکیل و فعالان حقوق بشر صورت گرفت، حکم اعدام این زندانی سیاسی در آبان ماه سال ۱۳۹۰ با عفو رهبر جمهوری اسلامی ایران از اعدام به حبس ابد کاهش یافت. بعدها نیز در آذرماه سال ۱۳۹۳ با موافقت دادستانی و اداره اطلاعات، نامبرده از کرمانشاه به زندان خوی انتقال یافت تا خانواده وی برای هر بار ملاقات مجبور به طی مسیر طولانی ماکو تا کرمانشاه نباشند.

لازم به ذکر است امیرسالار داوودی، یکی از وکلای مدافع زینب جلالیان که نقش فعالی در پرونده وی داشت از ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۷ در بازداشت وزارت اطلاعات به سر می‌برد و اخیراً به ۱۵ سال حبس محکوم شده است. وی در اوایل

خردادماه سال ۱۳۹۸ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ۱۱۱ ضربه شلاق و ۳۰ سال حبس محکوم شد که از این میزان مجازات حبس، ۱۵ سال آن قابل اجراء است. زینب جلالیان در نامه‌ها و پیام‌های خود از زندان، بازداشت و صدور حکم سنگین برای وکیلش را به‌شدت محکوم کرده است.

از وضعیت سهیل عربی نیز اطلاعی دقیقی در دست نیست. سهیل عربی، زندانی سیاسی طی روزهای گذشته به‌دلیل وخامت حال از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در تهران به بیمارستان منتقل و نهایتاً امروز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت به زندان تهران بزرگ بازگردانده شد. عربی روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت از بند خارج شده و به مکان نامعلومی منتقل شده بود. سهیل عربی از حدود یک ماه پیش در اعتراض به عملی نشدن وعده مسؤولان در خصوص اعزام وی به بیمارستان، شرایط نامساعد زندان، تداوم حبس و محرومیت از اعزام به مرخصی در اعتصاب غذا است.

یک منبع نزدیک به خانواده عربی در خصوص آخرین وضعیت او به هرانا گفت: «سهیل عربی روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت از زندان به یکی از بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه در تهران منتقل شد. او چند جلسه در آنجا تحت بازجویی قرار گرفت و پس از چند روز به دلیل چسبندگی معده و خونریزی روده به بیمارستان منتقل و در آنجا تحت عمل جراحی قرار گرفت و ظهر امروز بدون طی دوره درمان به زندان منتقل شد. به سهیل گفته‌اند تشخیص کارشناس پرونده است که تا اطلاع ثانوی دور از جمع، بدون تلفن و در انفرادی باشد و ممکن است بنا به تشخیص مسؤول پرونده مجدداً جهت بازجویی به بازداشتگاه سپاه منتقل شود.»

سهیل روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت از بند خارج شده و به بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی در تهران منتقل شده بود. عربی پیش‌تر نیز در روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین از بند خارج شده و به یکی از بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه در تهران منتقل شده بود. وی نهایتاً روز یکشنبه ۳۱ فروردین به زندان تهران بزرگ بازگردانده شد.



سهیل عربی پس از بازگشت به زندان تهران بزرگ، به بهداری منتقل شده و نمونه خون و ادرارش گرفته شده بود. مسؤولان بهداری مدعی شده بودند، پرونده پزشکی او مفقود شده و مجبور به تشکیل مجدد پرونده هستند.

سهیل عربی از تاریخ ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۲ در بازداشت و زندان به سر می‌برد و تمام این مدت از مرخصی نیز محروم بوده است. وی در تاریخ ۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، از زندان اوین به زندان تهران بزرگ منتقل شد.

وی هم‌زمان با این‌که پس از تغییرات بسیار در روند دادرسی و احکام صادره در حال تحمل دوران محکومیت ۷ سال و شش ماهه خود در زندان تهران بزرگ بود، از بابت دو پرونده جدید که در زندان علیه وی مفتوح شده بود، توسط دادگاه انقلاب تهران به حبس تبعید و جزای نقدی محکوم شد. عربی در پرونده نخست از بابت اتهامات «توهین به مقدسات دینی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری» به ۵ سال حبس و از بابت پرونده دیگرش به اتهام «نشر اکاذیب به

قصد تشویق اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام» به ۲ سال حبس، دو سال تبعید به برازجان و ۴ میلیون تومان جزای نقدی و به اتهام «تخریب اموال دولتی» به ۱ سال و ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. تاریخ آزادی سهیل عربی خردادماه ۱۴۰۴ عنوان شده است.

خبرگزاری «خبرآنلاین» گزارشی در باره شیوع کرونا در زندان قرچک شهرری منتشر کرده که اظهارات مسئولان قضائی در این زمینه را زیر سؤال می‌برد.

گزارشگر با یک زندانی زن که دو هفته پیش آزاد شده و همچنین وکیل چند زندانی در این زندان گفت‌وگو کرده است. زندانی زن که با نام اختصاری «میم» معرفی شده گفته است، تا زمانی که او در زندان بوده، برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا (سارس کوو ۲-) «غریبالگری» انجام نشده و اکنون نیز همپندان سابقش گفته‌اند که امکانات بهداشتی «همچنان ضعیف است»، به افرادی که با تب به پرسنل مراجعه کرده‌اند اهمیت نمی‌دهند و از زمان آزادی او چند مورد ابتلا به کرونا در قرچک پیدا شده است.

«میم» تصریح کرده است: «ما ۱۸۶ نفر در یک بند بودیم که به وسیله تخت کابین‌بندی شده بودیم. به ما حتی دستکش و ماسک هم داده نشد، حتی سربازان هم ماسک و دستکش نداشتند.»

او در ادامه ضمن اشاره به این‌که خدمات فروشگاه زندان با توجه به تعداد زندانیان محدود است، می‌گوید، مایع دست‌شوئی ۳۰۰ گرمی به قیمت ۷۰ هزار تومان به زندانیان فروخته می‌شود، در حالی که بهای آن بیرون از زندان ۱۵ هزار تومان است.

در ادامه گزارش «خبرآنلاین» به نقل از همپندان سابق «میم» آمده است، در حال حاضر برای مقابله با شیوع کرونا درهای کریدور به روی زندانیان بسته شده است و به آن‌ها گفته‌اند، «به تخت‌هایتان بروید و از روسری‌تان به عنوان ماسک استفاده کنید.»

امید مرادی، وکیل پایه یک دادگستری هم که وکالت چند زن در زندان قرچک را برعهده دارد اظهارات «میم» را تأیید کرده و گفته است، زندانیان بیش از هر چیز از کمبود مواد بهداشتی و ضدعفونی‌کننده گلایه دارند. مرادی به ممنوع شدن ملاقات‌ها هم اشاره کرده و گفته است، زندانی بی‌ملاقاتی پول کافی برای تأمین نیازمندی‌های خود ندارد و این باعث کاهش سطح بهداشت در زندان‌ها می‌شود.

به گفته این وکیل دادگستری، چند مورد ابتلا به کرونا در زندان‌های قرچک و فشافویه گزارش شده است. زندان‌های ایران، به اعتراف خود مقامات و مسئولان حکومت اسلامی، فاقد شرایط مطلوب و استانداردهای لازم برای نگهداری زندانیان هستند. این در حالی است که ایران جزو ۱۰ کشوری است که به نسبت جمعیت، بیشترین تعداد زندانی را دارند.

کودکان و مادران زندانی گروهی از شهروندان زندانی هستند که به دلیل عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی صحیح درباره آن‌ها و شرایط خاص‌شان، کمتر درباره آنان شنیده‌ایم. همین امر باعث شده توجه چندانی به وضعیت آنان نشود و محیط نامناسب زندان نقض هرچه بیشتر حقوق‌شان را به دنبال داشته باشد.

این گروه شامل مادرانی می‌شوند که به دلیل ارتکاب جرم در زندان به سر می‌برند و فرزندان آن‌ها نیز به دلایل مختلفی همچون شیرخوارگی و نداشتن سرپرست در بیرون از زندان، به ناچار با مادران خود در زندان زندگی می‌کنند. اکنون با شیوع گسترده ویروس کرونا در ایران و ورود آن به زندان‌ها، شرایط کودکان و مادران زندانی بیش از هر زمان دیگری خطرناک است.

شیوع ویروس جدید کرونا در ایران به ترس گسترده، ناآرامی و شورش در چندین زندان منجر شد که طی آن زندانیانی نیز جان خود را از دست دادند.

میزان ابتلا به ویروس کرونا در داخل زندان‌ها مشخص نیست و مقامات حکومت اسلامی ایران، تمایلی به شفاف‌سازی در این خصوص ندارند.

در پی عدم اتخاذ تمهیدات بهداشتی و پیشگیرانه از سوی مقامات قضائی حکومت اسلامی ایران در زندان‌ها، موجی از شورش در زندان‌های ایران به‌راه افتاد. اولین شورش ۲۹ اسفند و از زندان پارسیلون خرم‌آباد آغاز شد که به‌گفته مقام‌های مسؤول به فرار ۲۳ زندانی انجامید. دومین فرار بزرگ زندانیان نیز هشتم فروردین در زندان سقز روی داد که در این مورد دست‌کم ۸۰ زندانی از زندان گریختند.

در روزهای بعد شورش‌ها و اعتراضات دیگری در زندان‌های شهرهای دیگر از جمله شیراز، تبریز، تهران، اهواز، الیگودرز و همدان رخ داد که در برخی موارد به کشته شدن شماری از زندانیان انجامید.

در ندامتگاه مرکزی تهران بزرگ (زندان فشافویه یا زندان حسن‌آباد فشافویه تهران)، به‌دلیل ازدحام بالای جمعیت زندانیان امکان فاصله‌گذاری اجتماعی برای پیشگیری از ابتلای به کرونا وجود ندارد. همچنین با وجود شیوع بیماری‌های مسری همچون هپاتیت، سل و مننژیت در زندان فشافویه، مسؤولان زندان اطلاعات اندکی در خصوص بیماری کرونا در اختیار زندانیان قرار داده‌اند.

پس از اعلام پاندمی در اسفند ماه، دست‌کم در یک ساختمان، البسه محافظ در اختیار کارکنان خدمات پزشکی و درمانی قرار گرفت اما چند ساعت بعد، از مسؤولان امنیتی زندان دستور رسید که این لباس‌ها را در بیاورند چرا که در بین زندانیان ترس و وحشت ایجاد می‌کند. در نتیجه، کارکنان درمانگاه به استفاده از ماسک و دستکش بسنده کردند. در ساختمان شماره یک، اتاقی برای قرنطینه زندانیان مبتلا به ویروس کرونا یا مشکوک به ابتلا به آن اختصاص داده شده است. با این حال در ۱۶ فروردین، پنج زندانی مشکوک به کرونا در اتاق شماره پنج تیپ دو مشاهده شدند. اتاق مورد نظر که ۲۰۰ زندانی را در خود جای می‌داد، فوراً قرنطینه شد.

محمد رزم، رئیس کل دادگستری استان لرستان ۱۸ فروردین همراه جمعی از معاونان و قضات، سرزده از زندان پارسیلون خرم‌آباد بازدید کرد. او در این بازدید شش ساعته، ضرورت تأمین اعتبارات عمرانی، تجهیزات و تعمیر اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان لرستان را یادآور شد و نکات لازم در این زمینه را به مدیران مربوط ابلاغ کرد.

بنا به گزارشات ساختار زندان پارسیلون به‌قدری منسوخ و قدیمی است و سرویس‌های بهداشتی به اندازه‌ای کثیف‌اند که منابع ما گفتند از این که حتی به داخل سرویس‌ها قدم بگذارند، اکراه داشته‌اند.

شهروندان خوزستانی، زندان شیبیان را به نام زندان کلینیک اهواز می‌شناسند. این زندان در ابتدا محل سکونت مهندسان و کارگران شرکت‌های صنعتی بوده است. سپس برای مدت کوتاهی به عنوان مرکز خوددرمانی معتادان به مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفته و پس از آن به سازمان زندان‌ها برای تبدیل شدن به زندان مرکزی اهواز تحویل داده شده است.

تعداد کم شیر آب که هم برای شستن دست و رو و هم ظروف استفاده می‌شود، باعث ازدحام زندانیان است. وضعیت چندین زندان در سراسر ایران از جمله زندان مرکزی کرج، زندان لنگرود قم، زندان وکیل‌آباد مشهد، زندان ایلام، زندان جابهار در سیستان و بلوچستان، زندان اوین، زندان قرچک ورامین و چند زندان دیگر وضعیت شبیه زندان پارسیلون است.

۸ آوریل - ۲۰ فروردین، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل با همکاری سازمان جهانی بهداشت دستورالعمل موقت مقابله با ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹ را با توجه به وضعیت خاص افرادی که در زندان‌ها، بازداشتگاه‌های اداری، بازداشتگاه‌های مهاجرتی و مراکز بازپروری معتادان به سر می‌برند، منتشر کرد. در این دستورالعمل تاکید شده است که مقامات باید اقدامات فوری را برای کاهش ازدحام بیش از حد در زندان‌ها به عمل آورند، از جمله اتخاذ تدابیری برای رعایت دستورالعمل سازمان بهداشت جهانی درباره فاصله‌گذاری اجتماعی و دیگر اقدامات بهداشتی.

روز دوشنبه ۸ اردیبهشت ماه، انجمن جهانی قلم با انتشار یادداشتی در توییتر از مقامات حکومت ایران خواست، اطمینان حاصل کنند همه کسانی که به‌خاطر ابراز صلح‌آمیز عقایدشان زندانی هستند، فوراً و بدون قید و شرط آزاد می‌شوند. این انجمن با اشاره به ادعای مقامات ایرانی مبنی بر آزادی هزاران زندانی در پی شیوع ویروس کرونا اعلام کرد که مقامات ایران موقتاً هزاران زندانی را آزاد کرده‌اند اما بسیاری از زندانیان عقیدتی و دگراندیشان پشت میله‌های زندان باقی مانده‌اند. لازم به ذکر است، علیرغم صدور دو بخشنامه در اسفندماه سال گذشته توسط رئیس قوه قضائیه مبنی بر اعطای مرخصی به زندانیان، همچنان شاهد کارشکنی‌ها و ممانعت بسیاری از مسولین در اعطای مرخصی به زندانیان از جمله زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

۵- غارت حکومتیان و فقر شهروندان

دست‌کم ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور دچار فقر معیشتی هستند! محمود جام‌ساز یک کارشناس اقتصادی حکومتی، اذعان کرده است: «حداقل ۷۵ درصد جمعیت ۸۰ میلیونی کشور دچار فقر معیشتی هستند.»

او گفت: در پی اعتراضات آبان ۹۸ به افزایش بهای بنزین، ۶۰ میلیون نفر بر اساس اعلام دولت مشمول یارانه معیشتی شدند، این بدین مفهوم است که حداقل ۷۵ درصد جمعیت ۸۰ میلیونی کشور (یعنی ۶۰ میلیون نفر) دچار فقر معیشتی هستند. در چینی شرایطی وام یک میلیونی دولت به یارانه‌گیران به یک شوخی می‌ماند.

جام‌ساز افزود: «تمام منابع مالی که دولت در اختیار دارد، در حقیقت متعلق به مردم است. نفتی که سالیان سال استخراج و هزینه شده، پول مردم و بیت‌المال بوده است. واقعیت این است که دارائی و ثروت برخی مؤسسات از جیب مردم بوده و متعلق به مردم است. این نهادها می‌بایستی هزینه‌های مبارزه با ویروس کرونا و جبران خسارات وارده به افراد حقیقی و حقوقی را در راستای حمایت از مردم و ساماندهی اقتصاد تقبل می‌کردند. در آن‌صورت شاید نیازی به درخواست وام از منابع خارجی هم نمی‌داشتیم. (تابناک، ۹ اردیبهشت ۹۹)

مرکز پژوهش‌های مجلس با بررسی وضعیت اقتصادی ایران متأثر از بیماری کرونا، تبعات آن را تا پایان سال جاری بیکاری دو تا شش میلیون نفر برآورد کرده و گفته است تأثیرپذیری دهک‌های پائین بیش‌تر خواهد بود.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به ارزیابی ابعاد اقتصاد کلان شیوع ویروس کرونا در ایران پرداخته و برآورد کرده است که این ایران تا پایان سال ۹۹ درگیر تبعات اقتصادی ویروس خواهد بود و بین ۲ میلیون ۸۷۰ تا ۶ میلیون و ۴۳۱ هزار نفر از شاغلان فعلی، متأثر از پیامدهای این بیماری شغل خود را از دست خواهند داد.

مرکز پژوهش‌های مجلس در بررسی خود به این اشاره می‌کند که شیوع کرونا زمانی در ایران رخ داد که اقتصاد این کشور «دو سال سخت ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ را پشت سر گذاشته است. کاهش تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران به

گزارش این مرکز سبب شده است که ظرفیت تولید بالقوه اقتصاد کاهش یابد و حتی دستیابی به سطح رفاه سال نه سال پیش یعنی سال ۱۳۹۰ نیز دشوار باشد.

بالا بودن نرخ تورم برای دو سال ذکر شده و پیش‌بینی تورم بالای ۲۵ درصد برای سال جاری نیز بنا بر گزارش باعث شده است «بناگاه‌های بسیاری توانایی ادامه فعالیت خود را از دست بدهند»، وضعیتی که اقتصاد ایران را در رکود همراه با نااطمینانی قرار داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در توضیح وضع فعلی می‌افزاید: «کاهش تقاضا برای صادرات محصولات ایران(و به‌طور کلی کاهش تجارت جهانی) تقاضای کل را از طرف تجارت خارجی متأثر می‌کند. در بخش داخلی نیز تقاضای کل هم به‌دلیل کاهش درآمد خانوار و هم کاهش برخی کالاها و خدمات که به شیوع بیشتر ویروس مربوط می‌شوند(مانند حمل‌ونقل، رستوران و هتلداری، پوشاک و ...) تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر عرضه کل اقتصاد نیز به‌دلیل اختلال در شبکه تامین مواد اولیه و محدودیت فعالیت برخی از واحدهای صنعتی، با شوک عرضه مواجه شده است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید تحت سناریوهای مختلف بین ۷/۵ تا ۱۱ درصد از ستانده اقتصاد در شرایط فعلی کاهش خواهد یافت و «هرچند همه گروه‌های درآمدی از وضعیت جدید متأثر خواهند شد، اما تأثیرپذیری دهک‌های پائین (محروم‌تر) بیشتر خواهد بود.» علت چیست؟

گزارش می‌گوید تنها در حدود ۱۳ درصد از خانوارهای دهک اول و ۲۴ درصد از خانوارهای دهک دوم، هزینه بیمه بازنشستگی در سال ۹۷ پرداخت کرده و تحت پوشش بیمه(غیردرمانی) هستند. این نسبت در دهک دهم(ثروتمندتر) ۳۵ درصد است. به عبارت دیگر «حمایت‌هایی که از بناگاه به‌صورت بخشودگی سهم بیمه کارفرما و کارگر یا حمایت‌هایی از نوع پرداخت بیمه بیکاری ضریب اصابت پائینی به دهک‌های پائین درآمدی داشته و بیش‌ترین حمایت را از دهک‌های متوسط و بالا به‌عمل خواهد آورد.»

همزمان با گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس مسعود بابائی، مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت کار به ایرنا گفته است «دولت برای حمایت از معیشت کسانی که بالاجبار در دوره شیوع کرونا کار خود را از دست داده‌اند، پنج هزار میلیارد تومان در نظر گرفته که با تزریق به صندوق بیکاری، صرف حمایت از کسانی خواهد شد که با تعطیلی مشاغل در اپیدمی کرونا از ادامه کار بازمانده‌اند.»

اما نکته این‌جاست که «در شرایط عادی، چنان‌چه کسی شغل خود را از دست بدهد و مانند مشمولان قانون کار، سه درصد حق بیمه بیکاری را پرداخته باشد، می‌تواند ضمن درخواست استفاده از بیمه بیکاری در ادارات کار و پس از طی مراحل اداری، تا سقف ۸۰ درصد حقوق ماهانه خود را به‌عنوان مستمری در دوره بیکاری دریافت کنند.» این همان چیزی است که شامل حال بخش بزرگی از دهک‌های اول و دوم یعنی گروه‌های محروم‌تر نمی‌شود.

مسعود بابائی از ثبت نام ۷۶۰ هزار نفر در سامانه بیمه بیکاری خبر داده و گفته است که ۶۵۰ هزار نفر مشمول دریافت بیمه بیکاری شناسایی شدند.

به‌گفته او، متقاضیان بیمه بیکاری در مشاغل پرخطر تا پایان اردیبهشت بیمه بیکاری دریافت می‌کنند و «مشاغل کم خطر که به دستور رئیس‌جمهوری باید فعالیت خود را آغاز کنند.» او گفته که قرار است شاعلان در این دسته تا پایان فروردین بیمه بیکاری دریافت کنند. همچنین شروع پرداخت، مبلغ پرداخت و مدت پرداخت هنوز اعلام نشده و پرداخت مجدد بیمه بیکاری به مشمولان نیز «منوط به این است که ستاد ملی مقابله با کرونا تأیید کند که آیا با ادامه شیوع کرونا و تعطیلی کارگاه‌ها افراد مشمول دریافت مجدد هستند یا نه؟»

در ایران کم نیستند افرادی که بدون بیمه، بدون برخورداری از حداقل ایمنی کار و با دستمزدی پائین‌تر از حداقل تعیین شده تن به کار می‌دهند. اخیراً خبرگزاری ایلنا در گزارشی با استناد به برخی بررسی‌ها نوشته بود که زنان در میان این گروه بیش‌ترین تعداد را دارند: «در سال گذشته افرادی با دستمزدی کمتر از حداقل حقوق و گاه تا نصف مبلغ تعیین شده سر کار رفته‌اند. در این بین زنان به دلایلی بیش از مردان تن به چنین کارهایی می‌دهند. آن‌ها ممکن است تحت پوشش بیمه شوهران خود باشند، بنابراین راحت‌تر با نداشتن بیمه کنار می‌آیند. ممکن است زن سرپرست خانوار باشند و به‌شدت به درآمدی ولو ناچیز احساس نیاز کنند. بر این اساس توافق با کارفرما برای دریافت کمتر حقوق را می‌پذیرند. این شاغلان غیررسمی جدای از آن دسته زنانی هستند که در خانه کار می‌کنند، اما مدیریتی بر فروش محصول و درآمد خود ندارند. چنین شرایطی در پساکرونا ممکن است وخیم‌تر شود.»

حسن روحانی خود اقرار کرده است که میزان کمک‌هایی که دولت به بخش‌های ناتوان‌تر جامعه می‌کند ناچیز است ولی این را هم گفته که حمایت بیش‌تر فعلاً در توان دولت نیست.

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود از تأثیر بحران کرونا در وضعیت اقتصادی جهان پیش‌بینی کرده که رشد اقتصادی ایران در سال جاری میلادی برای سومین سال پیاپی منفی باشد و تولید ناخالص ملی در این کشور در سال ۲۰۲۰ شش درصد کاهش یابد.

این نهاد بین‌المللی برآورد کرده امسال میزان تورم در ایران اندکی بیش از ۳۴ درصد باشد و رشد اقتصادی منفی و تورم شدید در سال آینده ادامه یابد.

معضل سقوط شدید صادرات نفت و بهای آن از دیگر معضلاتی است که اقتصادی نفتی حکومت اسلامی را با چالش عظیمی روبه‌رو کرده که بدون شیوع ویروس کرونا نیز برون رفت از آن ساده نبود.

بارها در گزارشات رسانه‌های دولتی و یا اظهارنظرهای مقامات حکومتی آمده است که تاکنون شرکت پخش فرآورده‌های نفتی چندین بار سهم سازمان هدفمندی‌سازی پارانه‌ها را به خزانه‌داری دولت نپرداخته‌اند: ۴۱۴ میلیارد تومان، یک میلیون و ۲۲۹ هزار دالر، ۱۱ میلیون و ۵۵۸ هزار یورو، ۲۲ میلیون و ۳۷۴ درهم.

بانک‌های دولتی ۲/۶۱۵ میلیارد تومان از فروش سهام و اموال خود را نه به حساب خزانه‌داری کشور ریختند و نه در افزایش سرمایه خود ثبت کردند.

۲۴۱ مدیر بیش از سقف قانونی ۲۳/۵۸۳ میلیون تومانی حقوق دریافت کردند؛ مدیرانی در این سازمان‌های اداری: صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان غذا و دارو، دانشگاه‌های علوم پزشکی، شرکت‌های وابسته به وزارت نفت، شهرک‌های پژوهشی، سازمان منطقه ویژه اقتصادی، بانک مسکن، شرکت آلومینیوم، و سازمان پزشکی قانونی. جمعاً بیش از ۱۱ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان. بالاترین دریافتی ۵۳ میلیون تومان در ماه بوده است.

تنها ۲۳ درصد از واگذاری‌ها به بخش خصوصی حقیقی رسید. در این واگذاری‌ها ۱۲ هزار میلیارد تومان انحراف رخ داد: ۷۳ درصد ناشی از قیمت‌گذاری، بیش از ۶ درصد در ارتباط اهل بیت خریدار، و دیگر، برخلاف قانون، ۶ شرکت به بهای ۱۳۲ میلیارد تومان به مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌مدیره خود شرکت‌های واگذار شده است.

۶۷۸ میلیارد تومان از قسط این واگذاری‌ها دیرکرد داشت. ۲ میلیارد و ۷۰۶ میلیون دالر به ارز دولتی (۴۲۰۰ تومانی) کالاهای غیراساسی همچون نخ دندان، عروسک، اسباب‌بازی، لوازم بدن‌سازی، درپوش، غذای سگ و گربه، چوب بستنی و... به کشور وارد شد.

از ۳۱ میلیارد و ۴۱۶ میلیون دالر ارز دولتی که در سال ۱۳۹۷ برای واردات داده شد، در ازای ۴ میلیارد و ۸۲۱ میلیون دالر آن هیچ کالا و خدماتی به کشور وارد نشد.

بدین ترتیب:

اختصاص ارز دولتی برای واردات به ...	عدم واردات در ازای ارز دریافتی از سوی ...
۳۷ شخص حقیقی و حقوقی، هر یک بیش از ۱۰۰ میلیون دالر	۳۲ شخص حقیقی و حقوقی در کل یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر
۴۸ شخص حقیقی و حقوقی به هر یک بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دالر	۳۱ شخص حقیقی و حقوقی به میزان کل بیش از ۸۵۲ میلیون دالر
۳۰۵ شخص حقیقی و حقوقی به هر یک بین ۱۰ تا ۵۰ میلیون دالر	۲۱۲ شخص حقیقی و حقوقی در کل بیش از یک میلیارد و ۲۳۷ میلیون دالر
بیش از ۹۹ سفارش، هر یک بالای ۵۰ میلیون دالر	بسیاری، بر روی هم بیش از یک میلیارد و ۹۹ میلیون دالر
۲۲ شرکت برای ۷۰ سفارش به ارزش ساختگی ۲ میلیارد و ۹۴ میلیون دالر	دریافت ۱۷۲ میلیون دالر بیش از ارزش واقعی کالاهای وارداتی

اکنون تازه بر پایه گزارش تفریغ دیوان محاسبات، اجرای مصوبه‌های بودجه توسط دولت حسن روحانی در ۱۳۹۷، کاستی‌های فراوان داشت.

از میان فسادهای دولتی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، افزایش حقوقی که مدیران بلندپایه حکومت برای خود نوشتند، از همه جالب‌تر است. اما بیش‌تر تخلف‌ها در اجرای بودجه ۱۳۹۷ عبارتند از:

کسانی که با هم‌دستی کارگزاران دولتی ارز به بهای دولتی به دست آوردند تا کالای ویژه‌ای را وارد کنند، اما آن را به کاری دیگری زدند. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران هم گزارشی داشت بر این پایه که «بخش قابل‌توجهی از ارز ترجیحی (۴۲۰۰ تومانی) برای واردات دارو جای دیگر مصرف شده است... حدود ۶۰ میلیون دالر.» زمانی که دولت کالائی را به بهای کمتر از بازار می‌فروشد، کسانی با پرداخت رشوه آن را به دست می‌آورند و بی‌درنگ با استفاده از تفاوت بهای آن کالا با بهای بازار، به سود هنگفتی دست می‌یابند.

برخی که با رشوه در روند خصوصی‌سازی تأثیر گذاشتند تا در فهرست خریداران مجاز قرار گیرند، بنگاه کمتر از بهای بازار ارزیابی شود و شرکت‌های بزرگ دولتی نسبه یا با بهره ترجیحی واگذار شوند. از آنجا که این‌گونه واگذاری‌ها توجیه اقتصادی ندارد، اغلب شرکت‌های واگذار شده همواره زیان می‌دهند و برای جبران کمک دولتی می‌گیرند و از این طریق نیز هر چه بیش‌تر منابع جامعه را به جیب می‌زنند.

دیوان محاسبات در گزارش‌های تفریغ سال‌های پیش به موردهای دیگری همچون امتیاز ناحق در ازای رشوه، اشاره کرده بود: پرداخت رشوه برای شرکت در فرایند خرید و فروش کالا و خدمات از سوی دولت، برنده شدن در مناقصه‌های دولتی، پرداختن کمتر از آنچه باید برای هزینه‌ای همچون مالیات و عوارض و حکم سبک‌تر از آنچه باید، از سوی دادگاه.

فسادی که گزارش تفریغ نشان می‌دهد، بسیار فراتر از گزارش این نهاد دولتی است.

صاحبان سرمایه در ایران که عمدتاً حکومتی و یا از وابستگان حکومتیان هستند رانت‌خواران نوکیسه‌اند که پول و دارائی خود را خارج می‌کنند و بدین ترتیب منابع کمتری برای بازسازی کشور باقی می‌گذارند. به اقرار مقامات حکومتی هر سال، دست‌کم ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌گردد.

سالیان سال است که اعضای مافیای نفت شناسائی شده‌اند ولی آن‌قدر قدرت مانور در نفت دارند و وصل به قدرت‌های بزرگ هستند که هیچ‌کس جرأت نمی‌کند به آن‌ها نزدیک شود زیرا برخورد با آن‌ها حتی می‌تواند منجر به قتل و ترور شود. این گفته نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس است که در مصاحبه با بهارنیوز مطرح کرده است.

همایون یوسفی عضو کمیسیون بهداشت مجلس به ایلنا گفت: مافیای دارو به دنبال انحصار بازار دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومانی دارو در کشور است. آن‌ها با مختل کردن سیستم دارویی کشور به دنبال سودهای کلان هستند، زیرا سودی که در تجارت دارو وجود دارد حتی از مواد مخدر هم بیشتر است!

تقی بهرامی دبیر شورای مرکزی خانه صنعت و معدن گفته است: مافیای واردات پوشاک نامرغوب به کشور مانع از نوسازی صنعت نساجی است.

خبرگزاری ایلنا نوشت: طرح حذف کنکور به‌رغم ادعای برخی به آسانی قابلیت اجراست اما مافیای کنکور و آموزشگاه‌های مرتبط با این بازار مانع آنست.

چای یکی از محصولات پر مصرف کشور است. مافیای چای با واردات آن چه قانونی و چه غیر قانونی باعث رکود در تولید داخلی، ورشکستگی کارخانه‌های چای و انبار شدن چای تولیدی چایکاران شده است.

نماینده مردم بوشهر در مجلس گفت است: مافیای آب باعث نیمه تمام ماندن خط انتقال آب کوثر در عسلویه شده است زیرا آنها این طرح را در تضاد با منافع خود می‌بینند!

در صورت برخورد با مافیای خودرو، پراید ۲۰ میلیون تومان می‌شود.

سیدجواد حسینی‌کیا عضو هیأت رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: صنعت خودرو کشور را مافیای دلالی ملت‌هپ کرده که بخشی از خودروسازان نیز در آن دست دارند. اگر با این مافیا برخورد قاطع بشود قیمت ۲۰ میلیون تومان می‌شود.

به موارد بالا مافیای وام‌های کلان بانکی،

مافیای مسکن که در مدت کوتاهی باعث چند برابر شدن قیمت مسکن شد،

مافیای چاپ،

مافیای واردکننده گان گوشی همراه،

مافیای آهن و مصالح ساختمانی،

و ده‌ها مافیای دیگر را اضافه کنید تا بیش‌تر متوجه شوید قدرت درون حکومت اسلامی چه باندهای خطرناکی شکل گرفته‌اند؟

همزمان در اول آوریل ناگهان یکی از پزشکان بیمارستان مسیح دانشوری با یک جنجال ساختگی اعلام کرد دارویی موسوم به «فاریوپیر» که گویا در درمان بیماری موثر است توسط وزارت بهداشت مصادره شده و فقط برای مقامات بالای کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد! همان روز بهای یک دوره این دارو در بازار سیاه به ۲۰ میلیون تومان رسید. پنج روز بعد در ششم آوریل اعلام شد که این دارو توسط دانشکده داروسازی شهید بهشتی تولید شده و به بازار عرضه گردیده است و البته در بازار سیاه به مردمی که از همه جا ناامید شده‌اند فروخته می‌شود.

نمایندگان مجلس ایران در جریان جلسه علنی خود موافقت کردند که پرونده «تخلف» تحصیلی حسین فریدون در مقطع دکتری را به قوه قضائیه ارجاع دهند. حسین فریدون برادر حسن روحانی است و در دولت یازدهم دستیار ویژه او بود. پیش از این، کمیسیون آموزش مجلس در گزارشی اعلام کرد که «تخلفات و عدم رعایت شئونات قانونی» در مورد موضوع پذیرش و نحوه جذب حسین فریدون برای تحصیل در مقطع دکتری دانشگاه شهید بهشتی «ثابت شده است». اکنون کمیسیون آموزش مجلس در گزارش خود اعلام کرد فریدون به دانشگاه شهید بهشتی معدل غیره واقعی ارائه کرده است.

سازمان سنجش معدل فریدون را ۱۷.۳۸ اعلام کرده بود در حالی که معدل اصلی او ۱۳.۳۳ بود. سازمان سنجش علت این امر را خود اظهاری حسین فریدون اعلام کرده است.

علاوه بر این در گزارش کمیسیون آموزش آمده که فریدون تعهد کتبی و محضری ثبت شده مبنی بر عدم اشتغال را زیر پا گذاشته است.

همچنین جمع بندی گزارش کمیسیون آموزش دانشگاه بهشتی نیز متهم است که دستورالعمل ها و ضوابط قانونی را برای تطبیق دادن اطلاعات اظهار شده توسط داوطلب با اسناد و مدارک رعایت نکرده است.

در نهایت این گزارش می افزاید که مراحل سنجش علمی درباره فریدون به صورت کامل انجام نشده است.

برادر رئیس جمهوری پیش از این نیز به دلیل اختلاص بازداشت و دادگاهی شده بود.

وزیر بهداشت: یک میلیارد یورو صندوق ذخیره ارزی چه شد؟

سعید نمکی، وزیر بهداشت سراغ یک میلیارد یورویی را گرفت که رهبر حکومت اسلامی به درخواست روحانی به مقابله با همه گیری کرونا اختصاص داده بود. نمکی در تویتر نوشت: «به لطف خدا و با جان فشانی همکارانم در مبارزه با کرونا از قدرتمندترین کشورها جلو افتادیم، اما در مضیقه مالی و در مقایسه با آنها که میلیاردها دالر هزینه کردند، (همکارانم) با حال خراب می پرسند حداقل یک میلیارد یورو صندوق (ذخیره ارزی) چه شد؟»

۱۸ فروردین سرانجام بعد از ۱۱ روز خامنه ای با درخواست روحانی برای تخصیص یک میلیارد دالر بودجه به مقابله با کرونا از محل صندوق توسعه ملی موافقت کرد. محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در همان روز پی نوشت روحانی به نامه دفتر رهبر حکومت اسلامی را ابلاغ کرد. روحانی نوشته بود: «نیازهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از این منبع تامین و حتی الامکان از تولیدات داخلی و با استفاده از شرکت های دانش بنیان اقدام شود. همچنین کمک های لازم به صندوق بیمه بیکاری ظرف هفته آینده انجام و جزئیات طرح در ستاد اقتصادی دولت مطرح شود.»

نهادهای امنیتی که همگی زیر نظر رهبر و ستاد امنیتی بیت او قرار دارند همه اطلاعات این مافیاهای و رهبران آنها را در اختیار دارند اما یا خود آلوده به این شبکه ها هستند و یا جرات برخورد با آنها را ندارند زیرا از جان خود و به خطر افتادن موقعیت و مقامشان بیم دارند. البته سر دسته این مافیائی نیز کسی نیست جز سید علی خامنه ای!

۶- جنگ طلبی و اقدامات تروریستی حکومت اسلامی ایران

حکومت اسلامی ایران غیر از این که جنگ ایران و عراق را طولانی تر کرد، همواره در جنگ ها موسوم به «جنگ های نیابتی» منطقه خاورمیانه نیز فعال است.

این حکومت تاکنون صدها تن از فعالین سیاسی، فرهنگی و هنری مخالف خود را داخل ایران و خارج کشور ترور کرده است.

حدود سه هفته پیش امریکا جایزه‌ای را برای ارائه «هرگونه اطلاعات از فعالیت‌ها، شبکه‌ها و همکاران» یکی از مقام‌های بلندپایه گروه شبه‌نظامی حزب‌الله لبنان تعیین کرد؛ مقامی که در هماهنگی کامل با ایران، پروژه تسلط بر «هلال شیعی» را که حکومت اسلامی آن را «محور مقاومت» می‌خواند، با فعالیت‌های فراقانونی در سوریه و عراق دنبال می‌کند.

او کسی نیست جز شیخ محمد کوثرانی که این روزها، به‌ویژه پس از کشته‌شدن قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، نقشی اساسی در پیش‌برد فشارهای سیاسی و همچنین برنامه‌ریزی‌های نظامی حزب‌الله لبنان در عراق دارد. حتی زمانی که خبر کشته شدن قاسم سلیمانی در عراق منتشر شد، هم‌زمان شایع شد که کوثرانی نیز همراه سلیمانی کشته شده است. این شایعه با این در فاصله کوتاهی تکذیب شد، اما بیانگر نزدیکی این دو چهره و همچنین دانستن آن از سوی افکار عمومی عراق و منطقه است.



محمد کوثرانی (چپ) در کنار عمار حکیم از رهبران شیعه عراق در سال ۲۰۱۰

در واقع، محمد کوثرانی، با اینکه یک مقام نظامی نیست، اما مسئولیت هماهنگی سیاسی گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران را بر عهده دارد که از دوران سلیمان به میراث مانده است. پیشتر بخش اعظم این کار را خود فرمانده پیشین سپاه قدس انجام می‌داد و اکنون با وجود فرماندهی اسماعیل قآنی بر این نیرو و ارتباط کوثرانی با او، مسئولیت و فعالیت کوثرانی، این چهره کمتر رسانه‌ای، بیشتر شده است.

ضمن آن‌که به نظر می‌رسد قدرت و نفوذ قآنی در عراق به میزان قدرت و نفوذ سلیمانی نیست و قوت گرفتن فعالیت‌های کوثرانی در راستای جبران و بازسازی رهبری شبه‌نظامیان شیعه در منطقه است.



تصویری که مشرق‌نیوز از محمد کوثرانی در کنار اسماعیل قآنی فرمانده کنونی نیروی قدس سپله منتشر کرده است شیخ محمد کوثرانی، سال ۲۰۱۳ نیز به دلیل فعالیت‌های تروریستی‌اش در فهرست تحریمی امریکا قرار گرفته بود. پیش‌تر گزارش‌هایی منتشر شده بود که نشان می‌داد کوثرانی مسؤول مستقیم و برنامه‌ریز اصلی حمله یک مرکز فرمانداری کربلا در ژانویه ۲۰۰۷ بوده که منجر به مرگ پنج نفر شد.

او همچنین در آن زمان، علاوه بر فعالیت در عراق، در انتقال نیروهای شبه‌نظامی شیعی به سوریه برای کمک به بشار اسد در جنگ خانمان‌سوز و داخلی سوریه که منجر به کشته شدن صدها هزار نفر و آواره شدن میلیون‌ها نفر دیگر شده، نقش داشته است.

از دیگر اقدامات کوثرانی، فعالیت‌های او در زمینه پول‌شوئی و تامین مالی تروریسم است. اما این‌که دوباره فعالیت‌های این عضو بلندپایه حزب‌الله لبنان توجه و حساسیت امریکا را به خود جلب کرده، به دلیل تحولات ماه‌های اخیر است.

در ماه‌های اخیر، نیروهای شبه‌نظامی عراقی از یک سو، به‌صورت گسترده حملات خود را علیه نیروهای ائتلاف به ویژه نیروهای امریکائی و مراکز دیپلماتیک این کشور در عراق شدت بخشیدند، و از سوی دیگر، به سرکوب خشونت‌آمیز تظاهرات مردمی و ضدولتی عراق پرداختند.

همچنین این نیروها با فرماندهی شخص قاسم سلیمانی و بعداً اسماعیل قآنی به مداخله‌های مستقیم در امور سیاست داخلی عراق مبادرت کردند و موانع بسیاری را بر سر تغییرات سیاسی مورد نظر مردم معترض و همچنین تشکیل یک دولت در عراق قرار دادند.

در واقع گروه‌های شبه‌نظامی که حکومت اسلامی ایران در منطقه ایجاد کرده، فقط برای جنگ نظامی نیستند، بلکه شبه‌دولت‌هایی خارج از دولت رسمی‌اند که در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجرای قوانین دولتی در کشورهای محل ایجاد خود، اخلال ایجاد می‌کنند؛ دقیقاً همان وضعیت و مدلی که در داخل ایران از سوی رهبری حکومت اسلامی با ایجاد سپاه و بسیج، برای کنترل دولت و همچنین نیروهای مخالف در داخل کشور طراحی شده است.

وزارت امورخارجه امریکا نیز هنگام تعیین جایزه برای محمد کوثرانی تاکید کرده بود که شیخ کوثرانی، علاوه بر تامین مالی، حمایت‌های لجستیکی و آموزش گروه‌های شبه‌نظامی شیعه، مهارت ویژه‌ای در رفع اختلافات میان این گروه‌ها دارد. این تاکید نشان می‌دهد که مبارزه با گروه‌های شبه‌نظامی شیعه بدون دانستن از فعالیت‌های کسی مثل کوثرانی کامل نخواهد شد.

به‌تازگی یک مقام دولتی عراقی که نامش فاش نشده، به خبرگزاری فرانسه گفت که کوثرانی از نظر شیوه کار، «کپی برابر اصل سلیمانی» است، به این معنی که در منطقه فوق حفاظت‌شده سبز عراق، او از جلسه‌ای به جلسه‌ای دیگر می‌رود و با نشست و برخاست با مقامات در تلاش برای پیش‌برد اهداف خود است.

این مقام آگاه به سقوط صدام و آغاز تلاش گروه‌های شیعی برای قبضه قدرت در عراق اشاره کرد و ادامه داد: «او از سال ۲۰۰۳ مسؤول پرونده عراق است و مستقیماً به حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان گزارش می‌دهد.»

یکی از اعضای کادر حزب‌الله لبنان هم گفته که «به غیر از سلیمانی که کشته شده» کوثرانی، «تنها فرد خارجی است که به خوبی جزئیات صحنه سیاسی عراق را می‌شناسد.»

شیخ محمد کوثرانی، که نزدیکانش او را با نام «جعفر» هم می‌خوانند، درست است که به‌عنوان یک لبنانی، عضو کمیته سیاسی حزب‌الله لبنان است، اما تابعیت عراقی نیز دارد.

هشام الهاشمی، مورخ و تحلیل‌گر مسائل سیاسی عراق، معتقد است که شیخ کوثرانی در عراق «بیش‌تر از یک نقش» ایفا می‌کند: «اوست که نخ‌ها و رشته‌ها را در اردوگاه شیعیان وفادار به تهران به یکدیگر می‌بافد. همچنین از سال ۲۰۱۴، او در تلاش است که نیروهای در قدرت شیعی در بغداد را با نیروهای سنی که دشمن‌شان به شمار می‌روند، آشتی دهد.»

با این حال، شیخ کوثرانی از روابط و تجربه‌اش در عراق برای اهداف خود و گروهش در لبنان نیز بهره‌برداری می‌کند. به گفته یکی از مقام‌های دولت عراق، کوثرانی به تازگی و همزمان با شرایط وخیم اقتصادی در لبنان، از دولت بغداد درخواست میلیاردی دالر کمک کرده است.

تا به امروز کوثرانی قدرت خود را از مخفی‌کاری‌ها و لابی‌گری‌های پنهان خود به‌دست آورده است. دقیقاً همان مسیری که یک دوره‌ای قاسم سلیمانی در اوایل فعالیت منطقه‌ای‌اش رفته بود. حتی وقتی به ایران می‌رود و با مقام‌های حکومت اسلامی ملاقات می‌کند، خبری از این سفرها و ملاقات‌ها در رسانه‌ها منتشر نمی‌شود. حتی مقام‌های سپاه پاسداران نیز در اظهارنظرهایشان درباره او و نقش او سکوت می‌کنند.

اما توجه رسانه‌ها و میلیون‌ها دالری که امریکا مخصوص او کنار گذاشته، می‌تواند بازی را به احتمال زیاد به ضرر او تغییر دهد و حتی برخی از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند که قرار دادن این جایزه می‌تواند منجر به دستگیری احتمالی او در آینده شود.



اقدام بی‌سابقه سپاه در اعلام پرتاب موشک قاصد و «ماهواره نظامی نور» را می‌توان گامی تحریک‌آمیز در جهت دور جنگ طلبی حکومت تلقی کرد که تاکنون بر «غیر نظامی بودن فعالیت‌های فضائی ایران» و مغایر نبودن آن با قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اصرار داشتند.

قطع‌نامه ۲۲۳۱ که مکمل توافق اتمی ژوئیه سال ۲۰۱۵ گروه موسوم به ۱+۵ با ایران محسوب می‌شود و به شرط رعایت مفاد آن، قطع‌نامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران معلق شده، یکی از شرط‌ها را عدم فعالیت‌ها حکومت اسلامی ایران در حوزه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی قرار داده است. سال گذشته نیز سه پرتاب موشکی دیگر ایران که ظاهراً با انگیزه قرار دادن ماهواره‌های غیرنظامی در فضا انجام شده بود.

پس از اعتراض امریکا، سه کشور بزرگ اروپائی امضاءکننده «برجام» یعنی آلمان و بریتانیا و فرانسه، ضمن ارسال نامه‌ای مشترک به اعضای شورای امنیت در این مورد، از دبیرکل سازمان ملل خواستند که مغایرت فعالیت‌های موشکی ایران را با مفاد توافق اتمی، به شورای امنیت اعلام کند.

زمان اعلام پرتاب موشک قاصد که سه مرحله‌ای و از خانواده موشک‌های قدیمی موسوم به شهاب ۳ محسوب می‌شود، از چند لحاظ حائز اهمیت است.

از زمان آغاز درگیری‌های نظامی شش ماه گذشته در آب‌های خلیج فارس که طی آن وسایل نظامی امریکا، تاسیسات نفتی عربستان و نفتکش‌های چند کشور مورد حملات نظامی منسوب به ایران قرار گرفتند.

درگیری‌های نظامی در آبهای خلیج فارس ظاهراً به تلافی محروم ماندن حکومت اسلامی ایران از صادرات نفت و به‌منظور محروم ساختن دیگر کشورهای صادرکننده صورت گرفت.

پیش از آن، دولت روحانی با اعلام کاهش پلکانی تعهدات در قبال توافق اتمی، محدودیت‌های عمده‌ای را که ایران متعهد به رعایت آن‌ها شده بود برداشت، اما حتی برداشتن «گام پنجم» کاهش تعهدات اتمی هم به عادی شدن تجارت خارجی ایران با اروپا و یا خرید نفت خام ایران از سوی کشورهای اروپایی منجر نشد.

اقدام سپاه در اعلام «نظامی» بودن ماهیت پرتاب موشک «قاصد» و ماهواره «نور»، دارای جنبه سیاسی مشخص و حاوی پیام روشن تهدیدآمیز برون‌مرزی و هم‌سو با خط مشی اخیر حکومت اسلامی است که علی‌خامنه‌ای در سخنرانی چند هفته پیش خود با حضور سفیران کشورهای اسلامی تأکید کرده بود: «این‌که گفته می‌شود دشمنی نکنید، حرف نادرستی است.»

حکومت اسلامی ایران، نخستین ماهواره خود را در سال ۲۰۰۵ با کمک روسیه و استفاده از پرتابگر روسی در مدار قرار داد و در سال ۲۰۰۹ از محل پرتاب موشکی سمنان و با استفاده از موشک خودی اقدام به قرار دادن ماهواره‌ای کوچک به وزن کمتر از پنجاه کیلوگرم در فضا کرد.

اقدام فضائی سال ۲۰۰۹ در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در دولت احمدی‌نژاد پیگیری شد و در سال ۲۰۱۵ دولت روحانی نیز برنامه فضائی را از سر گرفت ولی چهار اقدام آخر فضائی به شکست انجامید.

تازمترین پرتاب موشک بالیستیک ایران از سوی سپاه کمتر از یک هفته بعد از معرفی دستگاه کرونایاب موسوم به «مستعان ۱۱۰» توسط فرمانده سپاه پاسداران صورت گرفت که به‌نوبه خود انتقادهای تندی را از سوی منابع دولتی و غیردولتی با استناد به جعلی بودن آن علیه سپاه برانگیخت.

حسین سلامی، فرمانده سپاه که چند روز پیش نوید دیدن ویروس کرونا در فاصله صد متر و در زمان پنج ثانیه را به کمک اختراع «دانشمندان بسیج» داده بود، بعداً در حاشیه اقدام فضائی تازه گفت: «به مدد امداد الهی و تلاش دانشمندان سپاه، امروز از آسمان زمین را نگاه می‌کنیم.»

۷- اعتیاد در ایران

حکومت اسلامی ایران عامل اصلی میلیون‌ها معتاد در ایران است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر راست راست می‌گردند و چه بسا در درون نهادهای حاکمیت و سپاه جا خوش کرده‌اند اما خرده فروش‌ها و معتادان به دست جوخه‌های مرگ سپرده می‌شوند.

به تازمگی یک مقام رسمی حکومت اسلامی ایران از اعتیاد ۵ درصد از جمعیت کشور به مواد مخدر خبر داده است. به‌گزارش رسانه‌های داخل ایران، اسکندر مومنی، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، روز سه‌شنبه ۹ اردیبهشت با اشاره به این که ۵ درصد جمعیت ایران، یعنی ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، معتاد هستند، می‌گوید در آن کشور «نزدیک به ۴ هزار نفر سالانه در اثر مصرف یا سوءمصرف مواد می‌میرند.» البته حکومت اسلامی حدود ۲۰ سال است که کمابیش همین رقم را اعلام می‌کند.

این در حالی است که آمارهای رسمی اعلام شده توسط مقامات حکومت اسلامی ایران به هیچ‌وجه قابل راستی‌آزمایی توسط کارشناسان مستقل نیست و نمی‌تواند معتبر و نهائی تلقی شود.

در شرایطی که حکومت اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته و از زمان روی کار آمدن خود همواره برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر از سیاست اعدام استفاده، و بر موفق بودن اقدامات خود در این عرصه تأکید کرده است، بسیاری از کارشناسان با استناد به همین آمار رسمی بالای پنج درصدی معتادان در ایران بر این باورند که اقدامات حکومت اسلامی ایران در جلوگیری از مصرف مواد مخدر بی‌نتیجه بوده است.

۸- ۹۶ درصد کارگران امنیت شغلی ندارند

ناصر چمنی رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران گفته است: بیش از ۹۶ درصد جامعه کارگری ما، قراردادی کار می‌کنند و با موضوع عدم داشتن امنیت شغلی مواجه هستند. وی در ادامه گفته: همان‌طور که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد بیش از ۹۶ درصد جامعه کارگری ما، قراردادی کار می‌کنند؛ وقتی دولت‌ها تمایلی به اصلاح این مساله ندارد، نمایندگان مجلس می‌توانستند ورود و قانون را اصلاح کنند و اجازه ندهند ۹۶ درصد جامعه کارگری با موضوع عدم داشتن امنیت شغلی مواجه باشند.

حتی در ایام کرونا هم حمایتی از کارگران نشده است، این در حالی است که شغل کارگران با خطر مواجه شده است. شاید در رسانه‌ها گفته شود که حمایت صورت گرفته اما ما چیزی ندیدیم. حتی در زمان واریز کمک معیشتی بنزین، ما گفتیم حداقل به کانون‌ها و انجمن‌های کارگری اعلام شود که به چه تعداد کارگر این بسته واریز می‌شود اما هیچ عددی اعلام نشد.

چمنی گفت: تنها حمایت از جامعه کارگری، معرفی به بیمه بیکاری بوده است که آن هم فقط بخشی از کارگران را در بر گرفته و مشخص نیست از چه زمانی واریز شود. (خبرگزاری مهر، ۱۲ اردیبهشت ۹۹)

حبیب‌الله محقق، دبیر خانه کارگر حکومت در استان سمنان، از بیکاری بیش از ۸۰ درصد کارگران فصلی به‌دلیل بحران ناشی از شیوع کرونا خبر داد.

دبیر خانه کارگر سمنان در دیدار با استاندار سمنان گفت که «با وجود شیوع ویروس کرونا و رکود در صنعت ساخت و ساز و در نتیجه بیکاری کارگران ساختمانی، متأسفانه بیمه بیکاری به این قشر تعلق نمی‌گیرد اما انتظار می‌رود دولت مجموعه نظام در این خصوص چاره‌اندیشی کرده و از کارگران این حوزه حمایت بیشتری کند.»

محقق با برشمردن برخی از دیگر مشکلات کارگران استان سمنان گفت مشکلات گذشته کارگران پابرجاست و مشکلات زیادی دامن‌گیر جامعه کارگری کشور و استان شده برخی از کارگران، حقوق‌های معوقه خود را همچنان دریافت نکرده‌اند و سیاست قرارداد موقت از سوی بسیاری از کارفرماها همچنان ادامه دارد و تاکنون به هیچ سامانی نرسیده است.

دبیرخانه کارگر استان سمنان گفت که در شرایط فعلی، حتی یارانه برخی از کارگران نیز به‌دلیل نامعلوم و غیرمنطقی قطع شده که امیدواریم اصلاحات لازم در این زمینه صورت گیرد.

با وجود این که ایران با کمبود پرستار روبه‌روست و بحران کرونا اوضاع بهداشت و درمان را حادتر کرده است با این وجود، دستکم ۳۰ نفر از کادر درمانی شامل کارشناسان اتاق عمل و بیهوشی را به دلیل اعتراض به کاهش حقوق و عدم پرداخت مطالبات خود، از بیمارستان پیوند اعضای ابوعلی سینای شیراز اخراج کردند.

پرسنل بیمارستان ابوعلی سینای شیراز، مرکز آموزشی پوند اعضا، به کاهش ۵۰ درصدی حقوق در سال جدید و همچنین عدم پرداخت مطالبات سال‌های گذشته، عدم اعمال افزایش حقوق ۵۰ درصدی فوق‌العاده ویژه اسفندماه و

همچنین عدم افزایش ۱۵ درصد سنوات سالیانه براساس مصوبات دولت، اعتراض داشتند که با واکنش شدید مسؤولان این بیمارستان مواجه و اخراج شدند.

سایت سلامت‌نویز گزارش داد که «به این گروه از کادر درمانی معترض، حتی اجازه حضور در محوطه بیمارستان ابوعلی سینای شیراز داده نشد و آن‌ها را با رفتار توهین‌آمیز از فضای بیمارستان بیرون کردند.»

۹- بحران اقتصادی

همزمان با آغاز شیوع کرونا در ایران برآوردهای مختلفی درباره پیامدهای اقتصادی این بیماری ارائه شده است؛ هر چند رقم دقیقی از میزان کلی خسارتی که کماکان قربانی می‌گیرد، در دست نیست.

به‌غیر از آمارهای جسته و گریخته ارائه شده توسط مسؤولان و مدیران ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی که اخیراً منتشر کرده، به تفصیل و با جریات به ابعاد خسارات اقتصادی کووید ۱۹ پرداخته و به مواردی نظیر کاهش درآمدها، افزایش هزینه‌ها و گسترش بیکاری اشاره کرده است.

رکود توام با «نااطمینانی» از جمله موضوعاتی برشمرده شده که اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ با آن دست به‌گریبان است؛ ریشه آن هم نقطه پایان نامشخص کووید ۱۹ است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که اقتصاد ایران حداقل ۷/۵ درصد و حداکثر ۱۱ درصد در سال ۹۹ کوچک‌تر شود؛ بر اساس همین تخمین، تعداد افرادی که به دلیل شیوع بیماری شغل خود را از دست می‌دهند بین ۲ میلیون و ۸۷۰ هزار نفر تا نزدیک به ۶/۵ میلیون نفر برآورد شده است.

این ارقام در حالی ارائه شده که بعضی سازمان‌های بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول تخمین زده‌اند اقتصاد ایران در سال جاری میلادی (۲۰۲۰) حدود ۶ درصد کوچک‌تر شود.

با ورود کرونا به ایران تقاضا به شدت کاهش یافت؛ کاهشی که از طریق خانه‌نشینی و یا کاهش درآمد و همچنین احتیاط در خرج پول خود را نشان داده است.

یکی از تبعات مهم شیوع کووید ۱۹ در ایران از دست رفتن شغل‌هایی بود که به دلیل تعطیلی کسب و کارها اتفاق افتاد. «خدمات» اصلی‌ترین بخش آسیب دیده از کرونا اعلام شده است.

برای نمونه خسارات کرونا فقط به صنعت گردشگری ایران، نزدیک به ۱۳ هزار راهنمای تور بیکار شده‌اند. نزدیک به ۱۳ هزار راهنمای تور بیکار شدند.

مرکز پژوهش‌های مجلس حکومت در گزارشی با اشاره به تأثیرات شیوع کرونا، پیش‌بینی کرد کسری بودجه دولت در سال ۱۳۹۹ در حدود ۱۸۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود. عمده کسری بودجه به‌علت عدم تحقق منابع نفتی است. در بودجه سال جاری صادرات روزانه ایران حدود ۴۰۰ هزار بشکه و قیمت نفت ۴۰ دلار در نظر گرفته شده که به گفته کارشناسان اقتصادی تحقق هر دو این موارد بعید به نظر می‌رسند.

حسینعلی حاجی دلیگانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، گفت که ۹۰ درصد دریافت کنندگان ارز ۴۲۰۰ تومانی شرکت‌های کاغذی بوده‌اند.

به‌گزارش خبرگزاری تسنیم، حاجی دلیگانی در یک برنامه رادیویی گفت این تعداد شرکت سال ۱۳۹۶ در سازمان ثبت شرکت‌ها ثبت شده‌اند.

او همچنین از همراهی نکردن هیأت رئیسه مجلس بر نظارت بر روند تخصیص این ارز انتقاد کرد.

حاجی دلیگانی اضافه کرد: «رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان باید در این مورد پاسخگو باشند که به چه حقی این ارزشها در اختیار یک عده قلیل قرار گرفت.» به گفته او، «بخشی از این ارزش در اختیار آژانس‌ها قرار داده شد، آژانس‌ها این ارزشها را به ازای کد ملی دریافت و آن را در بازار آزاد به ریال تبدیل می‌کردند.»

احمد توکلی رئیس فعلی هیات مدیره «سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت» در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مردم ایران، با اشاره به لایحه مشارکت عمومی- خصوصی گفت: می‌خواهند به اسم مشارکت عمومی- خصوصی تمامی دارائی‌های ملت را اعم از مدارس، بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و ... همه را چه در حال کار یا تکمیل شده یا نیمه‌کاره را به تاراج بدهند.

۱۰- کشتار ده‌ها افغان در مرزها توسط مأمورین مرزی حکومت اسلامی ایران!

حکومت اسلامی هر روز جنایت جدید می‌آفریند این بار کشتار عمدی و سازمان‌یافته شهروندان افغانستانی در مرزها! طلوع نیوز روز شنبه به نقل از شاهدان عینی گزارش داد که مرزبانان ایرانی پس از بازداشت ۵۷ تن از شهروندان افغانستان، شمار زیادی از آنان را مجبور ساخته‌اند که خودشان را در آب بیندازند. این شاهدان به طلوع نیوز گفته‌اند که تنها جسد هفت تن از ۲۷ تن از شهروندان افغان را از آب پیدا کرده‌اند و از سرنوشت دیگر شهروندان خبری در دست نیست.

در حالی که سه هفته از رویداد به رودخانه انداختن کارگران افغان در مرز ایران می‌گذرد، اعضای هیات محلی هرات و هیات دولت مرکزی افغانستان می‌گویند شواهدی که به دست آورده‌اند نشان می‌دهد که مرزبانان ایرانی در قتل کارگران افغان دست داشته‌اند. این هیات‌ها همچنین می‌گویند مقام‌های ایران حاضر نشده‌اند در سطوح بالا با دولت افغانستان در این باره مذاکره کنند و اگر موضوع پیگیری نشود به دادگاه لاهه و سازمان ملل شکایت خواهند برد. ناحیه مرزی هریرود، جایی که مأموران مرزی حکومت اسلامی مقتولان را پس از شکنجه به داخل هریرود انداخته‌اند. هریرود از مرکز افغانستان سرچشمه می‌گیرد و با گذر از مرز مشترک افغانستان و ایران پس از پیوستن کشف‌رود به آن با نام رود تجن وارد ترکمنستان می‌شود.

روزنامه «۸صبح» افغانستان دوشنبه ۲۹ اردیبهشت - ۱۸ مه گزارش داده است که شماری از اعضای مجلس نمایندگان این کشور که عضو هیات مرکزی بررسی رویداد کشتار کارجویان افغان در رودخانه مرزی هریرود هستند، بر پیگیری جدی این رویداد پافشاری کرده و هشدار داده‌اند که اگر این موضوع از سوی دولت افغانستان دنبال نشود، آن‌ها به دادگاه بین‌المللی لاهه در هلند و سازمان ملل متحد شکایت خواهند برد.

اعضای هیات محلی هرات و هیات دولت مرکزی می‌گویند یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مرزبانان ایرانی مرتکب جنایت شده و در قتل کارگران افغان دست داشته‌اند.

آن‌ها می‌افزایند که مقام‌های ایرانی حاضر نشدند در سطح مقام‌های بلندپایه با دولت افغانستان در این باره مذاکره کنند و تنها در سطح «کمیسارهای مرزی» (مرزبانان) مذاکره کرده‌اند.

در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت - یکم مه، ۵۷ نفر از مهاجران افغانستانی پس از ورود به خاک ایران در رودخانه هریرود انداخته شدند که ۲۳ نفر از آن‌ها جان خود را از دست دادند. شواهدی که مقام‌های محلی و دولتی در افغانستان به دست آورده‌اند حاکی از آن است که مرزبانان ایرانی این مهاجران را دستگیر، شکنجه و سپس به سمت رودخانه هریرود راندند که منجر به غرق شدن شماری از آن‌ها شده است.

ایران پس از رسانه‌ای شدن این رویداد، با انتشار بیانیه‌ای، دخالت نیروهای مرزی خود در کشتار کارگران افغان را رد کرد، اما دولت افغانستان دو هیات جداگانه، یکی در سطح محلی هرات و دیگری در سطح دولت مرکزی برای بررسی آن تشکیل داد.

اشرف غنی و سرپرست وزارت خارجه افغانستان به‌تازگی از طریق ویدئو کنفرانس با خانواده‌های قربانیان این رویداد گفت‌وگو کرده و به آن‌ها اطمینان دادند که دولت و دستگاه دیپلماسی افغانستان کشتار کارگران افغان را پی‌گیری می‌کنند.

عبدالستار حسینی، عضو مجلس نمایندگان و عضو هیات بررسی‌کننده دولت مرکزی افغانستان، با اشاره به چندین مورد قتل شهروندان افغانستان که پیش از این از سوی مرزبانان ایرانی صورت گرفته است، گفت اگر دولت و دستگاه دیپلماسی افغانستان مسأله کشتار کارگران افغان را همه‌جانبه دنبال نکنند، او با همکاری اعضای مجلس نمایندگان و خانواده‌های قربانیان، از ایران در دادگاه بین‌المللی لاهه و سازمان ملل شکایت می‌کند.

به‌گفته حسینی، در گذشته موارد مشابه کشتار شهروندان افغان به دست نظامیان ایرانی از سوی حکومت ایران کتمان شد و حکومت افغانستان هم آن را دنبال نکرد.

روز گذشته، یکشنبه ۲۸ اردیبهشت - ۱۷ مه وزارت امور خارجه افغانستان اعلام کرد که ایران اسناد، مدارک و شواهد افغانستان در مورد شکنجه و غرق‌شدن کارگران افغان را نپذیرفته است.

گران هیواد، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان گفت تحقیق در این مورد هم‌اکنون براساس قرارداد نیروهای مرزی ایران و افغانستان منعقد در سال ۱۳۳۵، به مراجع دیپلماتیک دو دولت سپرده شده است.

دولت افغانستان به‌خانواده هر یک از کشته‌شدگان این رویداد مبلغ ۱۰۰ هزار افغانی و به نجات‌یافتگان این رویداد نیز مبلغ ۵۰ هزار افغانی کمک کرده است.

پیش از این، موارد دیگری از قتل شهروندان افغانستان توسط نیروهای مرزی ایران رخ داده است. در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، وابستگان ۱۳ شهروندان افغان که می‌گفتند نظامیان ایرانی ۱۳ نفر را کشته و اجسادشان را در شهر «تایباد» در نزدیکی مرز افغانستان دفن کرده‌اند، در مقابل کنسولگری ایران در هرات تظاهرات کردند.

۱۱- قاچاقچی دختران ایرانی به مالزی از حمایت یک مقام با نفوذ دولت روحانی برخوردار بود!

در حالی که دعوای جنایی درونی حکومت اسلامی اوج گرفته است فردی که در مالزی بازداشت و به ایران منتقل شد با نام «آکس» معرفی و به قاچاق دختران ایرانی به مالزی با برخوردار از حمایت یک مقام با نفوذ دولت روحانی متهم شده است.

باشگاه خبرنگاران جوان وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۹ اردیبهشت از بازداشت فردی به‌نام «آکس» خبر داد که ظاهراً ارتباطات گسترده‌ای داشت و با استفاده از این ارتباطات به‌مدت سه سال، یعنی بیش و کم از زمان روی کار آمدن دولت روحانی، دختران ایرانی را برای بهره‌کشی جنسی به خارج از ایران قاچاق می‌کرد و آن‌ها را در مالزی می‌فروخت.

به‌گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این فرد که به عنوان «آکس» معرفی شده به مدت سه سال تحت رصد اطلاعاتی نیروی انتظامی قرار داشت و سرانجام «پس از انجام اقدامات پیچیده اطلاعاتی و هماهنگی‌های لازم با پولیس اینترپل» در مالزی دستگیر و به ایران منتقل شد. بر اساس این گزارش، علاوه بر دستگیری نفر اول باند قاچاق دختران ایرانی،

تمام افراد این باند در داخل و خارج کشور نیز طی یک عملیات اطلاعاتی توسط پولیس امنیت عمومی ناجا دستگیر و تحویل مراجع قضائی شده‌اند.

۱۲- شورش گرسنگان

در چنین وضعیتی اکثریت جامعه ایران تنها یک راه در مقابل خود دارند و آن هم شورش گرسنگان و سرنگونی کلیت این حکومت تبهکار و مافیائی است.

البته حکومت اسلامی خود به این امر آگاه است و حتی برخی مقامات حکومت اسلامی نیز بارها در این مورد هشدار داده‌اند.

اخیرا آذر منصوری عضو رهبری جبهه مشارکت و حزب اعتماد ملی در یادداشتی نوشته است:

«ایران امروز با چالش‌ها و بحران‌های جدی و غیر قابل انکاری روبه‌روست. اگر صورت مسأله و واقعیت این بحران‌ها به‌درستی دیده نشود، فارغ از بحران کرونا تداوم آن‌ها و به‌وجود آمدن بحران‌های جدید محتمل خواهد بود. ایران تحت تاثیر تحریم‌ها در کنار ضعف‌هایی که در شیوه حکمرانی به چشم می‌خورد (که سایه سنگین خود را در بحران کرونا نیز نشان داد) در صورت تداوم حیات این ویروس با بحران‌های به مراتب جدی‌تری روبرو خواهد بود. چه بسا در طول حیات این ویروس در ایران نیز به رغم از جان گذشتگی کادر بهداشت و درمان بخش عمده‌ای از خسارت‌ها در کنار مرگ و میر بالای ناشی از این بیماری خود را نشان داده است. کسب و کارهای متعددی که بحران کرونا آن‌ها را تعطیل کرده است و لشکر صدها هزار نفره‌ای که به خیل بیکاران قبلی افزوده می‌شود. به بیان روشن‌تر در میانه بحران وقتی بحرانی به بزرگی کرونا تحمیل می‌شود، آثار مخرب آن به مراتب در جامعه‌ای مانند ایران بیشتر خواهد بود. چه بسا همه کشورها تحت تاثیر این بحران متحمل خسارت شدند، اما آسیب‌پذیری کشورهای در معرض تحریم قابل مقایسه به کشورهای دیگر نیست. با این حال و با همین کیفیت حکمرانی، ایران هنوز در مرحله مدیریت بحران است و نمی‌توان گفت چه زمانی می‌شود از مهار این ویروس سخن گفت. هر چه زمان مهار این ویروس طولانی‌تر باشد، آثار آن بر کسب و کار و اقتصاد کشور نیز بیشتر خواهد بود و طبقات آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشینان که در آمدشان به ساعت کاری روزانه شان بستگی دارد تحت فشارهای بیش‌تری قرار خواهند گرفت و طبیعی است وقتی نان نباشد ترس از سرایت کرونا و زنجیره انتقال ویروس به حاشیه خواهد رفت و شورش گرسنگان را در پی خواهد داشت.



خطرناکترین ستراتیژی، ستراتیژی ایمنی جمعی یا گله‌ای است که هم جان انسان‌های بی‌شماری را خواهد گرفت و هم اقتصاد را در وضعیت به مراتب وخیم‌تری قرار خواهد داد و هم شورش گرسنگان را محتمل خواهد کرد.

در چنین شرایطی برای رسیدن به مرحله مهار ویروس لازم است همه نهادهایی که از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌کنند امروز برای پیشگیری از آنچه که گفته شد به میدان بیایند.

بدیهی است در شرایط بحران بی‌اعتمادی اگر سفره فرودستان خالی باشد، اعمال هر نوع قرنطینه سخت گیرانه نه تنها بی‌اثر خواهد بود، بلکه در صورت تداوم ممکن است به خشونت‌ها و شورش‌های کور نیز منتهی شود. خاصه آن‌که ایران در سه سال گذشته صحنه اعتراضاتی فراگیر از این دست بوده است.»

به علاوه حکومت اسلامی از نزدیک وقایع و اعتراضات عراق و لبنان را زیر نظر دارد می‌بیند و چه بسا سپاه پاسداران نیز در سرکوب آن‌ها حضور فعالی دارد. در چنین وضعیتی، مردم لبنان بار دیگر در اعتراض به وخامت شرایط معیشتی که نتیجه بالا رفتن ارزش دالر در مقابل لیره و گران شدن مواد غذایی است در نقاط مختلف این کشور دست به تظاهرات زدند.

دولت حسان دیاب در لبنان، سرانجام طرحی را برای خروج از بحران اقتصادی این کشور تصویب کرد. در این طرح ۸۰ میلیارد دالر هزینه برای خروج از بحران در نظر گرفته شده است.

دولت لبنان به ریاست حسان دیاب، نخست‌وزیر این کشور پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت - ۳۰ آوریل لایحه برنامه نجات اقتصادی این کشور را تصویب کرد.

میشل عون، رئیس جمهوری لبنان پس از پایان نشست کابینه در صفحه توئیتر خود نوشت:

«همه اعضای کابینه پس از اعمال اصلاحاتی کوچک، برنامه پیشنهادی نجات اقتصاد کشور را تصویب کردند.»

عون در جمع خبرنگاران گفت:

«اهمیت تصویب این طرح در این است که برای اولین بار، بعد از آن‌که عدم برنامه‌ریزی و فقدان نگاه به آینده شرایط

لبنان را به سراشیبی و ویرانی رسانده است به تصویب رسید.»

نخست‌وزیر لبنان نیز در این باره گفت:

«با این طرح موافقت شد نه برای این‌که طرحی تاریخی است؛ بلکه به این دلیل که مسیر دولت برای اصلاح واقعیت

کنونی را مشخص می‌کند. ارقام ارائه شده از سوی دولت‌های پیشین در رابطه با وضعیت اقتصادی لبنان، درخواستی

بود و میزان کسری بودجه را که همانند آتش زیر خاکستر بود، پنهان می‌کرد. ما به لبنانی‌ها به صراحت آنچه را که در

جریان هست، می‌گوئیم. ما با تصویب این طرح، قطار (اقتصادی) لبنان را در ریل‌های صحیحی قرار داده‌ایم.»



منابع محلی گفته‌اند که طرح نجات اقتصادی دولت دیاب ۸۰ میلیارد دالر هزینه در بر خواهد داشت. براساس این

برنامه، دولت قصد دارد هزینه‌های عمومی را به‌شکل گسترده‌ای کاهش دهد و در پنج سال آینده بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد

دالر سرمایه یا کمک خارجی جذب کند. دولت لبنان همچنین امیدوار است که بتواند با ارائه این طرح از صندوق بین‌المللی پول وام دریافت کند.

در لبنان بحران اقتصادی و سیاسی گسترده از اکتبر سال ۲۰۱۹ آغاز شد. سعد حریری نخست‌وزیر سابق لبنان در پی چند هفته اعتراضات خیابانی علیه سیاستمداران حاکم، فساد، فرقه‌گرایی و مشکلات اقتصادی ۷ آبان - ۲۹ اکتبر از سمت خود استعفا داد. حسان دیاب نامزد مورد حمایت حزب‌الله لبنان با کسب حمایت ۶۹ نماینده پارلمان لبنان، حائز بیشترین آرا شد. میشل عون ۲۸ آذر - ۱۹ دسامبر ساعتی بعد از اعلام این خبر، دیاب را مأمور تشکیل کابینه کرد و دیاب یکم بهمن - ۲۱ ژانویه سرانجام کابینه خود را تشکیل داد. او وعده داده بود که با اصلاحات عمیق، اقتصاد کشور را از ورطه ورشکستگی برهاند.

با این حال شیوع ویروس جدید کرونا و قرنطینه عمومی در لبنان بیش‌تر به اقتصاد ناب‌سامان این کشور آسیب رساند و دولت در ماه گذشته اعلام کرد که حتی توانایی پرداخت هزینه‌های خود را هم ندارد.

در چنین شرایطی از دو هفته پیش بیروت، پایتخت لبنان و طرابلس بار دیگر صحنه تظاهرات گسترده مردم و درگیری‌های متعدد با نیروهای امنیتی شدند. معترضان در روزهای اخیر چندین بانک را به آتش کشیدند. در این درگیری‌ها ده‌ها نفر زخمی شدند.

معترضان مقامات لبنانی را عامل اصلی بحران جدی اقتصادی در این کشور می‌دانند که به ورشکستگی مالی کشانده شده است. آن‌ها همچنین مقامات دولتی را متهم به فساد می‌کنند و خواهان تشکیل حکومت غیرفرقه‌ای و متشکل از نخبگان هستند.

حتی زیبا کلام هم صدای پای شورشگران شنیده است: «چه‌قدر سادملوح بودم که شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگر تمومه ماجرا» را جدی نگرفتم. اگر شما به‌عمق این شعار بروید این شعار خیلی تکان‌دهنده است. در این شعار نه امیدی است، نه آینده‌ای و نه سفیدی و نه نوری در پایان آن و فقط تخریب در آن دیده می‌شود.»

نتیجه همه جلسات و بررسی‌ها و تدارکات سران حکومت اسلامی به آن‌جا رسیده بود که نه تنها به شیوع کرونا همچون یک بحران نگاه نمی‌کردند، بلکه آن را انکار و به جن و حمله بیولوژیکی نسبت می‌دادند بنابراین آگاهانه و عمدانه این بحران را مخفی نگه داشتند تا جنازه قاسم سلیمانی را به چرخانند، به‌مناسبت مرگ فلان سردار مراسم بزرگ ترتیب دهند، نماز جمعه را برگزار کنند، انتخابات مجلس و یا راه پیمائی ۲۲ بهمن را انجام دهند و یا قم را قرنطینه نکردند عملاً اجازه دادند که کرونا در کشور پخش شود و صدها هزار نفر را آلوده کند و یا جان‌شان را بگیرد و میلیون‌ها شهروند ایرانی بیکار شدند و در معرض گرسنگی قرار گیرند. آن‌ها حتی ماسک و الکل و دستکش هم برای کادر درمانی خود پیش‌بینی نکرده بودند چه رسد به مردم عادی و این یعنی نشستن به انتظار برای قتل‌عام هرچه بزرگ‌تر! پیامدهای ویرانگر و خانمان‌برانداز سیاست‌های چهار گذشته دولت‌های اسلامی ایران، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی و خصوصی کردن بیش از پیش آموزش و بهداشت عمومی، سقوط بی‌پایان ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین و تورم رسمی ۴۱ درصدی را عوامل کاهش شدید قدرت خرید مزدبگیران دانستند.

شرایط معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر حقوق‌بگیران و نیروی کار نسبت به سال گذشته بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر شده است. پیامدهای ویرانگر و خانمان‌برانداز سیاست‌های چند دهه دولت‌ها، تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، خصوصی کردن بیش‌ازپیش آموزش و بهداشت عمومی هرروز

بیش از گذشته خود را نشان می‌دهند. سیاست‌هایی که فراتر از دولت‌ها، سیاست کل حاکمیت است و جناح‌های سیاسی بر روی آن اتفاق نظر دارند.

افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۹، نشانه وضعیت سخت‌تر معیشت حقوق‌بگیران را نشان می‌دهد که سفره‌هایشان را خالی‌تر می‌کند.

در حالی که به‌گفته نهادهای مستقل کارگری، خط فقر در ایران حدود هشت میلیون تومان است، تعیین حداقل دستمزد به میزان یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، بی‌توجهی آشکار به معیشت و زندگی اکثریت شهروندان ایران است.

وقایعی چون سیل، زلزله، ورشکستگی اقتصادی، شکاف طبقاتی، خطر درگیری نظامی، شیوع ویروس کرونا، دروغ‌گوئی و دست‌کاری آمارها توسط حکومت، بازداشت فعالان سیاسی و اجتماعی، خودکشی مردم به‌دلیل مشکلات زندگی، دستمزد پائین کارگران، سخت‌شدن زندگی برای طبقه متوسط، منازعات سیاسی بین سهام‌داران قدرت، بحران ارزی، تورم افسار گسیخته، مسأله بیکاری، بحران‌های محیط زیستی و خلاصه هر بحران دیگری را می‌توان به صورت روزانه یا به صورت دوره‌های تکرار شونده در بازه‌های زمانی کوتاه مدت دید.

متأسفانه بعد از کشتار تعداد زیادی از شهروندان ایرانی در اعتراضات آبان ۱۳۹۸، شلیک موشک از طرف سپاه پاسداران به هواپیمای مسافری و شیوع بیماری کرونا، دیگر هیچ خبر و هیچ نشانه‌ای آن‌قدر وزن و اهمیت پیدا نمی‌کند که بتواند توجهات را به خود جلب کند. جامعه ایران چنان فجایع بزرگی را در یک دوره کوتاه تحمل کرده است که خیلی‌ها را دچار شوک کرده است.

نرخ بالای تورم در ایران، تبدیل به یک مسأله دائمی و سیستماتیک شده است. به جز مقاطعی کوتاه، در اکثر دوران حکومت اسلامی نرخ‌های بالائی از تورم ثبت شده است. شیوع بیماری کرونا باعث شده است این وضعیت دائمی بیش از پیش مورد بی‌توجهی قرار بگیرد. در همین دو ماه نرخ بسیاری از مواد غذایی افزایش یافته است.

اقتصاد ایران عملاً ورشکسته شده است. دولت با فروش اموال کارگران و فروش سهام شستا در بورس در حال غارت منابع کارگران و بیمه‌شدگان ایران است تا کسری بودجه خود را جبران کند. حکومت اسلامی قصد دارد به هر طریق ممکن و با هر روشی از جمله تصاحب اموال و پس‌اندازهای مردم ایران از طریق تورم، مصرف منابع صندوق‌های بازنشستگی، فروش اموال عمومی و روش‌هایی از این دست در مقابل تحریم‌های امریکا مقاومت کند تا دموکرات‌های در امریکا دوباره دولت را به دست بگیرند. سرمایه‌های خصوصی هم‌چنان در حال خروج از کشور است، قیمت‌ها چنان بالا رفته و دستمزدها چنان پائین مانده است که گردش اقتصادی ناشی از عرصه و تقاضا تا حدود زیادی بی‌معنا شده است.

در چنین وضعیتی آنانی که پول و پس‌اندازی دارند یا می‌توانند دورکاری کنند در خانه‌اند و آن‌ها که مجبور هستند سر کار بروند صبح‌ها می‌روند و غروب‌ها بر می‌گردند. کسی چیز زیادی نمی‌خرد. دست‌فروشان که همیشه از ترس مأموران شهرداری در حال باج‌دادن یا فرار هستند آزادانه در برخی میادین و خیابان‌ها بساط خود را پهن کرده‌اند اما خبری از مشتری نیست.

از دولت فقط آن بخش‌هایی باقی مانده است که از مردم پول می‌گیرند و یا در حال تهدید و سرکوب هستند. پولیس راهنمائی و رانندگی هم‌چنان در حال جریمه خودروها است ولی حتی گشت‌های پولیس کاهش یافته‌اند و کمتر به چشم می‌آیند. نظارتی وجود ندارد. قیمت‌ها کاملاً دل‌خواهی شده است.

با تأیید رسمی خبر شیوع کرونا و اشغال رسانه‌ها توسط اخبار کرونا برخی بر این عقیده‌اند که کرونا برای حکومت اسلامی یک نعمت «الهی» بوده چرا که به بحران‌هایی مانند اعتراضات گسترده آبان ۱۳۹۸ و بحران ناشی از شلیک به هواپیمای مسافربری خاتمه داده است.

اما واقعیت این است که جامعه ایران در آستانه فروپاشی، فاجعه انسانی و یک اعتراض بزرگ دیگر است! شروع دوباره اعتراضات لبنان نشان می‌دهد که کرونا نمی‌تواند معترضان را برای همیشه در خانه نگاه دارد. صف‌های طولی برای خرید سیم‌کارت و دریافت وام یک میلیون تومانی نشان داد که قدرت اقتصادی فرودستان ایران تا چه حد کاهش یافته است. یک کارمند بخش خصوصی می‌گوید: «به خدا رفتن داخل مغازه شده است کابوس. بروی داخل سوپرمارکت هفتاد هزار تومان خرج می‌شود و اگر بروی داخل میوه‌فروشی بین هفتاد هزار تومان تا صد هزار تومان هزینه دارد. تازه برای ما که خیلی از هزینه‌های را حذف کرده‌ایم.»

از یکسو متأسفانه هر روز مبلایان به ویرس کرونا و جان‌باختگان بالا می‌رود و از سوی دیگر، پیش‌بینی شده است بین دو میلیون و هشتصد هزار تا پنج میلیون نفر در ایران کار خود را از دست بدهند. درخواست بیمه بیکاری در برخی استان‌های ایران سیزده برابر شده است.

این که ویرس کرونا به جامعه ایران به‌شدت لطمه زد، موضوع پنهانی نیست. براساس آمار رسمی، حدود ۱۰۰ هزار نفر به این ویرس مبتلا شدند و حدود ۶۵۰۰ تن جان خود را از دست دادند.

این در حالی است که نتایج پژوهش‌های یک گروه پارلمانی ایران نشان می‌دهد که آمار واقعی تلفات می‌تواند ۸ تا ۱۰ برابر بیشتر باشد و از این نظر، ایران در رده‌های نخست فهرست کشورهای کرونازده قرار می‌گیرد.

این گزارش می‌گوید که تعداد واقعی مرگومیر می‌تواند ۸۰ درصد بیشتر از آمار رسمی وزارت بهداشت، یعنی حدود ۱۱۷۰۰ نفر، باشد. برای نمونه دولت اسلامی ایران در حال حاضر از کاهش میزان عفونت‌های ناشی از کووید ۱۹ در بسیاری از مناطق این کشور خبر می‌دهد؛ با این حال مقامات محلی در حال گسترش گورستان‌ها در مناطقی چون تهران هستند که به‌گفته شورای این شهر، به ۱۰ هزار قبر جدید در بزرگترین گورستان خود یعنی بهشت زهرا نیاز دارد.

سردار حسن کرمی فرمانده یگان ویژه نیروی انتظامی حکومت اسلامی گفته است که امکانات و تجهیزات تاکتونی برای کنترل شورش‌های بزرگتر در سال ۹۹ کافی نیست و نیروها و امکانات و آمادگی بیشتری برای سرکوب «دشمن» در سال جاری احتیاج دارند.

صدها هزار مردمی که در سال ۹۶ و تعداد خیلی بیشتری که در سال ۹۸ به خیابان آمدند را مانند همه سران حکومت دشمن می‌داند.

اعتراف می‌کند که این همه سرکوب و دستگیری و پرونده‌سازی و کشتار ۱۵۰۰ نفر در آبان ۹۸ مانع شورش‌های مردم نیست.

صحبت این سردار جنایت‌کار حکومت ادامه صحبت روحانی است که دو هفته قبل گفته بود با شورش ۳۰ میلیونی مواجهیم.

این صحبت‌ها قبل از هرچیز نشان می‌دهد که این خود حکومت اسلامی است که از ترس دشمن ۳۰ میلیونی خواب ندارد. با وجود کشتار و شکنجه و زندان و اعدام یک آن هم آرامش ندارد و هرآن منتظر «شورش‌های احتمالی» است. حکومتی تماماً ورشکسته و شورش ۳۰ میلیون گرسنه آن واقعیتی است که به مهم‌ترین مشغله حکومت و فرماندهان سرکوبگر حکومت تبدیل شده است.

همچنین سعید معیدفر، جامعه‌شناس مقیم ایران، در گفت‌وگو با «اعتمادآنلاین» گفته است که حکومت اسلامی ایران از سرنوشت محتوم خود آگاه است. می‌داند چیزی جز نابودی در انتظار آن نیست و تنها می‌کوشد با ادامه مسیر اشتباه خود، نابودی خویش را به تاخیر بیندازد.

جامعه‌شناس ایرانی گفته است: «مدیریت حادثه ساختمان پلاسکو نماد مدیریت کشور است.» در این مصاحبه سعید معیدفر گفته است: «تصور سیستم بر این است که اگر کوچکترین ضعفی نشان بدهد و کمترین تغییری در خود ایجاد کند، عملاً نمی‌تواند با این تغییر سازگار شود.» به همین خاطر، نظام حاکم بر کشور حاضر و قادر به تغییر رویه‌های خود نیست. نه به این خاطر که، به گفته سعید معیدفر، نظام حاکم از ماهیت و عمق مشکلات خود و کشور آگاه نیست. بالعکس، به گفته این جامعه‌شناس ایرانی، از آنجا که رهبران کشور متوجه مشکلات هستند و «می‌دانند چه شرایطی پیش رویشان قرار دارد» در مسیر خطا و پرشتاب جاری پیش می‌رانند، زیرا، اگر یک لحظه بخواهند از مسیر اشتباه بازگردند، «سرعت در این مسیر آنقدر زیاد شده که ممکن است نابودی (سیستم) زودتر اتفاق بیفتد.» به همین خاطر نظام ایران در مسیر خطای خود با شتاب پیش می‌رود به این امید که «این نابودی یک مقدار عقب‌تر بیفتد.»

ما مردم آزاده و همه نیروهای آزادی‌خواه و چپ باید خود را برای شورش‌های احتمالی آماده کنند. نه برای این‌که تنها تاکتیک‌های سرکوبگران را خنثی کنند بلکه بدین خاطر که متحدانه و سراسری و سازماندهی شده در مقابل جانیان حکومتی بایستیم تا جایی که تغییرات و تحولات مورد نظرمان را به‌وجود آوریم!

این مطلب را با نقل قولی از رسانه داخلی ایران به پایان می‌برم که عمق فاجعه انسانی در ایران و دروغ‌گوئی و پنهان‌کاری حاکمیت را بیان کرده است:

جهانیان از این همه پنهان‌کاری مُلاکرونا در عجبند!

روزنامه جهان صنعت که در تهران منتشر می‌شود روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۱۲ مه ۲۰۲۰، در مطلبی به‌نقل از مصطفی اقلیما کارشناس امور اجتماعی و مددکاری، با اشاره به آمارهای قلبی دولت روحانی درباره بیماری کرونا در ایران نوشت: «آمارهای رسمی که اعلام می‌شود به قدری غیرواقعی است که جهانیان از این همه پنهان‌کاری مسؤولان در عجب هستند.»

این منبع نوشت: «روزی‌به‌روز هم تعداد فوتی‌ها را کمتر اعلام می‌کنند تا برای مردم این شرایط عادی شود. در شهرستان‌ها به تازگی دیگر مبتلایان به کووید ۱۹ را به بیمارستان نمی‌برند، بلکه آنقدر به آن‌ها رسیدگی نمی‌کنند تا مستقیم به قبرستان بروند.»

این روزنامه نوشت: «در این ایام مردم دیگر اعتمادی به گفته‌های مسؤولان ندارند. سال‌هاست دمل چرکینی بین دولت و ملت به وجود آمده. حال چه زمانی سر باز کند خدا داند. مردم از ابتلا به بیماری به وضوح می‌ترسند اما به دلیل لقمه نانی مجبورند از صبح تا شب در مراکز پرتردد رفت‌وآمد کنند. آن‌ها چاره‌ای ندارند. اخیراً هم اعلام کردند خط فقر زیر ۹ میلیون تومان است. ۷۰ درصد مردم ایران در فقر مطلق زندگی می‌کنند.»

سه‌شنبه سی‌ام اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹ - نوزدهم مه ۲۰۲۰

* فلم زیر: وضع بازار تهران خیلی خراب است و... :

<https://youtu.be/acca1Mvmvd0>